
**The Application of Qualitative Content Analysis in Extracting Social Analyses of Quran:
An Analytical Report on the Method of a Study**

Ali Salimi; (Research Institute of Hawzah and University, Email: ali_salimi@rihu.ac.ir)

ARTICLE INFO**Article history**

Received: 2 August 2018

Revised: 16 October 2018

Accepted: 27 October 2018

Published online: 22 December 2018

Key words:

Quran, Qur'anic Theory of Deviation, (combined strategy, components, processes, validity and reliability of) Qualitative Content Analysis, Subject-based Interpretation

ABSTRACT

The investigation of the role which Islamic teachings can play in offering concepts, propositions and theoretical models in the realm of social sciences, as well as valid methods for achieving these elements are considered as two striking points, however, neglected in the extensive controversies concerning the status of Islamic doctrine in social sciences. The present paper, seeking to recognize the capacity (the combined strategy of) qualitative content analysis has brought for extracting social analyses of Quran and providing interdisciplinary validity of these analyses has tried to outline and present the components, processes and conditions for the implementation of the pre-mentioned method (and strategy) and the criteria for its validity, authenticity and reliability along with the measures and proceedings which have been adopted in the path to utilizing it in the studying and analysis of Quran's social approaches and making sense and validation of this type of analysis in Islamic sciences. Thus, this research paper besides proposing this method (and strategy) in a practical form, as an interdisciplinary and text-based research in Islamic and social sciences, brings forward a type of executive instruction for the researches which are designed, generated and manipulated in this field, specifically for the inferences of social perspectives of sacred texts of Islam

کاربرد تحلیل محتوای کیفی در استخراج تحلیل‌های اجتماعی قرآن کریم: گزارشی تحلیلی از روش یک تحقیق

علی سلیمی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ali_salimi@rihu.ac.ir)

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۱ مرداد ۹۷
بازنگری: ۲۴ مهر ۹۷
پذیرش: ۵ آبان ۹۷
انتشار: ۱ دی ۹۷

چکیده

بررسی نقشی که آموزه‌های اسلامی می‌توانند در ارائه مفاهیم و گزاره‌ها و الگوهای نظری به قلمرو علوم اجتماعی داشته باشند و همچنین روش‌های معتبر دستیابی به این عناصر، دو محور شایان توجه، اما مورد غفلت، در بحث‌های پر دامنه ناظر به جایگاه آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی هستند. این مقاله، در پی شناخت ظرفیتی که (راهبرد ترکیبی) تحلیل محتوای کیفی برای استخراج تحلیل‌های اجتماعی قرآن و تأمین روایی بین‌رشته‌ای تحلیل‌ها دارد، کوشیده است اجزا، مراحل و ضوابط اجرای روش (و راهبرد) یاد شده و معیارهای روایی و پایایی آن را، در کنار اقدام‌ها و تدبیرهایی ترسیم و معرفی کند که در مسیر به‌کارگیری آن در استخراج دیدگاهها و تحلیل‌های اجتماعی قرآن و اعتبار یافتن این دیدگاهها و تحلیلها در علوم اسلامی و اجتماعی، اتخاذ شده‌اند. بدین شکل، این مقاله، روش (و راهبرد) یاد شده را، به شکلی کاربردی، به تحقیقات بین‌رشته‌ای متن‌محور در علوم اسلامی و اجتماعی، معرفی می‌کند. و نوعی دستورالعمل اجرایی را برای پژوهشهایی ارائه می‌دهد که در این عرصه و، به‌ویژه، در راستای استخراج دیدگاههای اجتماعی متون مقدس اسلامی، طراحی و اجرا می‌شوند.

واژگان کلیدی

قرآن، نظریه قرآنی
کجروی، (راهبرد
ترکیبی، اجزا و مراحل
اجرا، روایی و پایایی)
تحلیل محتوای کیفی،
(اعتبار) تفسیر موضوعی

۱. مسأله، هدف و پرسش

جایگاه آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی، بحث‌های ماندگاری را در جامعه علمی کشور شکل داده است. این بحث‌ها عمدتاً پیرامون محورهای نظیر: رابطه علم و دین، امکان، معنا و ابعاد علم اجتماعی اسلامی، مبانی فراتجربی و عناصر پارادایمی و، سرانجام، روش‌شناسی این علم و الگوی قابل ارائه در ازای آن شکل گرفته‌اند. در این بین، پژوهش‌های اندکی نیز به ابعاد حضور گزاره‌های اسلامی در عرصه مفهوم‌ها، نظریه‌ها و الگوهای قابل ارائه در این علوم - که محور شایان توجه دیگری در این عرصه است - پرداخته و به اقتضای موضوع، در پی یافتن دیدگاه‌هایی برآمده‌اند که این آموزه‌ها، بر اساس مبانی خود، درباره پرسش‌ها و مسائل آن علوم ارائه می‌دهند.

این پژوهش‌ها که در دو حوزه علوم اسلامی و اجتماعی انجام می‌شوند، هم بسیار اندکند و هم با وجود دغدغه‌ها، هدف‌ها و شیوه‌های مشابه، چالش‌هایی را در هر دو حوزه درباره دستیابی به مقصود یا روایی یافته‌ها برانگیخته‌اند. این چالش‌ها، عمدتاً ناشی از میان‌رشته‌ای بودن تحقیق و مقاومت هر حوزه در برابر یافته‌های تحقیقی حوزه دیگر در اثر ناآشنایی با مبانی، قواعد، رویکردها و معیارهای روشی آن است (ر.ک. محسنی و سلیمی، ۱۳۹۱: ۱۳۶-۱۳۷). این دو نکته، از مغفول ماندن عنصر دیگری پرده برمی‌دارند؛ و آن، روش تحقیق معتبری است که زمینه تحصیل دیدگاه‌های آموزه‌های اسلامی را فراهم آورد و به اقتضای میان‌رشته‌ای بودن این نوع پژوهش، روایی و پایایی آن را از نگاه علوم مرتبط، تأمین کند. عنصری که زمینه ورود مؤثر دیدگاه‌های آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی و گفتگوی آنها با علوم اسلامی و فقدان، یک علت مهم کم‌شماری پژوهش‌های این عرصه است.

در این راستا، در طول بیش از یک دهه تحقیق، که به منظور یافتن پاسخ‌های قرآن به پرسش‌ها و مسائل علوم

اجتماعی انجام شده، بررسی‌هایی درباره نکات زیر صورت گرفته است:

- روش‌ها و فنونی که در علوم اسلامی و اجتماعی برای تفسیر متن به کار می‌روند.
- شباهت‌ها، تفاوت‌ها، مزایا، کاستی‌ها، ضوابط و بایسته‌ها، ملاک‌های روایی و پایایی آنها.
- ظرفیتی که هر یک از آنها برای پرهیز از کاستی‌ها، رعایت ضوابط و بایسته‌ها و بهره‌گیری از مزایای روش‌ها و فنون حوزه دیگر - و به طور خلاصه، احراز اعتبار مورد نظر در آن - دارند.

حاصل بررسی، شناسایی تفسیر موضوعی و تحلیل محتوای کیفی در علوم اسلامی و اجتماعی و این نکته بوده است که این دو روش، به سبب شباهت‌های نزدیک در مبانی، اهداف، تعریف‌ها، فرایندها، دغدغه‌ها و ظرفیتی که در رعایت ضوابط و استفاده از مزایای یکدیگر دارند، در مطالعات اسلامی در علوم اجتماعی به کار می‌آیند و روایی بین‌رشته‌ای مورد نظر را تأمین می‌کنند (ر.ک. همان؛ سلیمی، ۱۳۹۳: ۲-۱۰۳-۱۱۲).

در ادامه این بررسی، شناسایی اجزا و مراحل عملیات و همچنین ضوابط و معیارهایی اهمیت می‌یافت که هر یک از این دو روش برای اجرا و اعتبار بخشیدن به تحقیق پیشنهاد می‌کردند. این عناصر در توضیح تحلیل محتوای کیفی با تفصیل و دقت بیشتری بیان شده‌اند. و این نکته، سبب شد که در گام اول، به مطالعه راهبرد ترکیبی تحلیل محتوای کیفی و بررسی ظرفیتی پردازیم که اجزا و مراحل عملیات و نیز ضوابط و معیارهای پیشنهادی آن برای دستیابی به فهم معتبر قرآن دارند. این بررسی، طی بیست فعالیت، در قالب‌های طرح پژوهشی، رساله دکتری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و تدوین کتاب و مقاله علمی پژوهشی انجام گرفت و در خلال آن، از آرای محققان همکار، استادان راهنما، مشاور، داور و مؤلفان رساله‌ها و

۲ - ۲. تحلیل محتوای کیفی

تحلیل محتوای کیفی، شکلی کمتر شناخته شده - اما دارای کاربرد گسترده - از تحقیق اجتماعی است (دریسکو و ماشی، ۲۰۱۵: ۸۷؛ چو و لی، ۲۰۱۴: ۱؛ الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۰۷) و ویژگی‌های زیر را دارد:

۱. به اندازه تحلیل محتوای کمی، نظام‌مند و دارای پایایی و روایی است (کریندورف، ۲۰۰۴: ۱۰).
 ۲. مطالعه دقیق مقادیر نسبتاً کمی از مواد متنی را کافی می‌داند (همان: ۱۷).

۳. هدفش کشف محتوای پنهان (latent) است (میچل، ۱۹۶۷: ۲۳۳؛ سیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۳؛ الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۰۹).

۴. برون‌دادش، توصیف الگوها یا قاعده‌مندی‌های داده‌ها (دریسکو و ماشی، ۲۰۱۵: ۸۳، ۸۶) و شرح نظام‌مند معنای آنها در قالب مقوله‌ها و مضمون‌هایی است که ویژگی‌های زیر را دارند: داده‌ها را پوشش می‌دهند؛ برای پاسخ به پرسش‌ها صورت‌بندی شده‌اند (چو و لی، ۲۰۱۴: ۵، ۱۲؛ ساندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۳: ۹۱۰-۹۱۱)؛ و غرض از آنها معمولاً ایجاد یک سامانه یا نقشه مفهومی درباره موضوع است (الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۰۸).

۲ - ۳. راهبردهای تحلیل

تحلیل محتوای کیفی، بسته به عناصر زیر، با دو راهبرد استقرایی (inductive) یا قیاسی (deductive) انجام می‌شود (سیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۷۷-۱۲۸۱؛ الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۰۹؛ میرینگ، ۲۰۰۰: ۲-۴؛ کریندورف، ۲۰۰۴: ۳۸-۳۶؛ ژانگ و ویلدماث، ۲۰۰۹: ۳۱۰-۳۱۱). این عناصر عبارتند از:

چیستی موضوع، هدف و نقطه شروع تحقیق، خاستگاه پرسش‌ها، کدها، مقوله‌ها، تعریف مفهومی و عملیاتی آنها و طرح کدگذاری، فراوانی یا کمبود دانش نظری یا تجربی پیرامون موضوع، تهدیدهای اعتمادپذیری تحقیق، مبنای اکتشاف یا آزمون فرضیه و منطق تفسیر یا استنتاج.

این دو راهبرد، همچنین غالباً، آگاهانه یا ناخودآگاه و از جمله

پایان‌نامه و نیز داوران کتاب‌ها و مقاله‌ها استفاده شد.

بدین شکل، مسأله این مقاله، شناسایی و معرفی گام‌های عملی «روش تحقیق»ی است که مجال استخراج یک تحلیل اجتماعی معتبر را از قرآن فراهم می‌آورد. هدف، شناسایی اجزا و مراحل عملیات راهبرد ترکیبی در تحلیل محتوای کیفی قرآن و ضوابط و معیارهایی است که روایی این تحلیل را از نگاه علوم اسلامی و اجتماعی تأمین می‌کنند. پرسش تحقیق نیز به شرح زیر است:

اجزا و مراحل عملیات و ضوابط و معیارهایی که راهبرد ترکیبی تحلیل محتوای کیفی را به فهم و تحلیل بین‌رشته‌ای معتبری از قرآن کریم می‌رسانند، کدامند؟

۲. چارچوب مفهومی

این بخش به توضیح اجزا و مراحل عملیات تحقیق در راهبرد ترکیبی تحلیل محتوای کیفی و بیان مفهوم‌هایی اختصاص دارد که ویژگی‌ها، ابعاد و چگونگی کاررفت این راهبرد را در تحقیق مورد نظر، توضیح می‌دهند.

۲ - ۱. مؤلفه‌های تحلیل محتوا

تحلیل محتوا را دارای شش مؤلفه ذکر شده در جدول زیر می‌دانند:

جدول شماره ۱. مؤلفه‌های تحلیل محتوا (کریندورف، ۲۰۰۴: ۲۹-۴۰)

| | | |
|---|---------------------------------------|---|
| ۱ | پرسش تحقیق | تحلیل محتوا، با بررسی مجموعه متنی، در صدد پاسخ به آن است. |
| ۲ | مجموعه متنی (body of text) | داده‌هایی که برای آغاز تحلیل محتوا در دسترس هستند. |
| ۳ | بافت (context) | محیط مفهومی‌ای که مجموعه متنی بر اساس آن فهم می‌شود و تحلیل را جهت می‌دهد. |
| ۴ | سازه (construct) | فرضیه/مقوله‌ای که دانسته‌های بافت را عملیاتی و استنتاج را ممکن می‌کند و شکل می‌دهد. |
| ۵ | استنتاج | بازساخت (reconstruction) معناهای بر گرفته از داده‌ها با هدف پاسخ به پرسش‌های تحقیق. |
| ۶ | شواهد روایی یخش (validating evidence) | توجیه‌گرهای نهایی استنتاج‌ها و تحلیل محتوا |

۲. اجزا و مراحل عملیات، به شکل خطی اجرا نمی‌شوند. برخی تا زمانی که کیفیت خاصی حاصل آید به شکل‌های مختلف تکرار می‌گردند. یا برخی، حذف شده و از اجزای دیگری استفاده می‌شود و لذا، این طرح‌ها نمایش نموداری یکسانی ندارند (همان: ۸۵).

۳. تحلیل محتوا بسیار انعطاف‌پذیر است. راه سرراستی برای انجام آن و قواعد نظام‌مند و مشخصی برای تحلیل داده‌ها وجود ندارد. لذا، هر تحقیق به شکل متمایزی انجام می‌شود و نتایج، به مهارت، بینش، توان و شیوه تحلیل محقق بستگی دارد (الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۰۹، ۱۱۳).

۲ - ۵. محتوای آشکار و پنهان

محتوای آشکار، عبارت است از عناصر قابل شمارش و دارای موجودیت مادی. و محتوای پنهان، معنای ساختاری عمیقی است که یک پیام، حامل آن است (برگ، ۲۰۰۱: ۲۴۲).

۲ - ۶. سازه‌های تحلیل (ویژگی‌ها، شرایط)

سازه‌ها (یا مقوله‌ها و فرضیه‌ها)، مضمون‌ها یا انگاره‌هایی (patterns) هستند که معنای بافتی ایده‌های متن را بیان می‌کنند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۲۳؛ سیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۵). در ورود قیاسی به داده‌ها، سازه‌ها از نظریه‌ها، رویه‌ها، تجربه‌ها، پژوهش‌ها و ادبیات بافت، استخراج و به تحلیل وارد می‌شوند. سپس، به سان ریز-نظریه‌ها (mini-theories) و الگوهای آزمون‌پذیر، دانش بافت را به متن منتقل و در آن الگوسازی نموده، تحلیل‌گر را، گام به گام، از متن به سوی پاسخ پرسش‌ها، هدایت می‌کنند. این سازه‌ها تضمینی هستند بر اینکه تحلیل محتوا و استنتاج در مسیر مخالف با بافت، پیش نروند. نکات زیر درباره سازه‌ها شایان توجهند:

به شکل زیر ترکیب می‌شوند (ژانگ و ویلدماث، ۲۰۰۹: ۳۱۱؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۴۸؛ وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۵۰): ورود قیاسی به داده‌ها با یاری یک الگو یا نظریه به عنوان شالوده تحقیق و تدوین پیشینی مقوله‌ها بر اساس آن و سپس، کار استقرایی در میانه تحلیل که می‌تواند با شناسایی یا ایجاد مقوله‌های جدید و پالایش یا حذف مقوله‌های اولیه، به اصلاح، تکمیل یا رد آن الگو یا نظریه بینجامد.

راهبرد ربایش (abduction) نیز واکنشی به کاستی‌های استقرا و قیاس در پژوهش کیفی است. کریپندورف (۲۰۰۴: ۳۸-۳۶، ۸۵، ۱۷۱) آن را «حرکت از خاص‌های یک نوع به خاص‌های نوع دیگر» و تنها راهبرد قابل اتکای استنتاج در تحلیل محتوا می‌داند.^۱ به نظر او، این ویژگی، ربایش را با سطحی از احتمال همراه می‌سازد که باید با تضمین‌های مناسبی تأیید یا توجیه شود. و این تضمین با پایایی سازه‌ها یا پشتیبانی دانش بافت از آنها فراهم می‌شود.

۲ - ۴. طراحی تحقیق

طرح تحقیق، بیان ابعاد، ویژگی‌ها، راهبردها و جهت‌گیری تحقیق و اجزا و مراحل عملیاتی است که تحلیل محتوا را از متن به نتیجه می‌رساند (همان: ۸۳). این فرایند با پرسش‌ها و بر اساس آنها آغاز می‌شود. و عبارت است از مطابقت دادن متأملانه پرسش‌ها با منابع داده‌ها، راهبرد نمونه‌گیری، روش‌های گردآوری و همچنین فنون تحلیل آنها که نقشی اساسی در کیفیت و توفیق هر تحقیق دارند (فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۴۲). در این زمینه، سه نکته زیر، شایان توجه هستند:

۱. تحلیل محتوا، طبیعتی اصولاً بازگشتی (recursive) دارد. مثلاً، بافت، تحلیل متن را جهت می‌دهد. تحلیل به مفهوم‌سازی دوباره بافت می‌انجامد. و ... (کریپندورف، ۲۰۰۴: ۸۶، ۸۸).

تفاوت بر ساخته‌های محقق و موضوع تحقیق می‌شمرد و یک سطح آن را ربایش الگویی از داده‌ها و دانش محقق در جهت سامان‌دهی و یکپارچه کردن فرضیه‌ها می‌داند.

۱. او در توضیح ربایش، قابلیت زبانی و سن را مثال آورده می‌گوید این دو با هم ملازمه منطقی ندارند. اما آنکه درباره فراگیری زبان در نوزادان تجربه دارد، می‌تواند سن‌شان را از صداهایی که در می‌آورند یا از واژگانی که به کار می‌برند، استنتاج کند. بلیکی (۱۳۸۴: ۱۵۲، ۱۵۸-۱۵۶) وی ربایش را خاص علوم اجتماعی و شالوده‌اش را

۱۳-۱۱۴، ۳۱۸؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۵۵؛ سیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۵؛ وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۳۶).

۲ - ۸. مدیریت داده‌ها

مدیریت داده‌ها یا داده‌سازی، با گام‌هایی چون *واحدها سازی*، گردآوری داده و نمونه‌گیری و فهم و پردازش داده - که در ذیل آمده‌اند - داده‌های آماده تحلیل یا کارآمد برای پاسخ به پرسش‌ها را، از متن‌های خام، فراهم می‌آورد (فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۴۶، ۴۸؛ کریپندورف، ۲۰۰۴: ۴۱، ۸۳):

۲ - ۹. واحدها سازی و واحدهای تحلیل

واحدها سازی (unitizing) فرایند «قطعه‌قطعه کردن متن و متمایز کردن نظام‌مند قطعه‌ها برحسب دغدغه‌های تحلیل» و *واحد*، قطعه مستقل، متمایز و دارای تمامیتی (whole) است که به بخش‌های کوچک‌تر، تقسیم نمی‌شود. در تحلیل محتوا، واحدها هنگام خواندن متن توسط تحلیل‌گر، شکل می‌گیرند. با تفاوت کارکرد، متمایز می‌شوند. و با اهداف تحقیق و تجربه، توان و مهارت تحلیل‌گر در دیدن قطعه‌های معنادار در متن، پیوند دارند (کریپندورف، ۲۰۰۴: ۸۴، ۸۷، ۹۷، ۹۹، ۱۰۳؛ وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۲۹). سه واحد عمده و برخی کارکردهای آنها در جدول زیر آمده‌اند:

جدول شماره ۲. واحدهای تحلیل در تحلیل محتوا و کاربردهای

آنها (کریپندورف، ۲۰۰۴: ۹۸-۱۰۳)

| واحد نمونه‌گیری | کاربرد آن، تعیین جمعیت نمونه، ایجاد شالوده نمونه‌گیری، تعیین مرزهای آن و شمول و طرد مبتنی بر آن است. در تحلیل کیفی، این واحدها می‌توانند در عین استقلال، مرتبط یا دارای هم‌پوشی باشند و اغلب به حدی پیچیده‌اند که تعریف پایایی ندارند. همچنین باید آنچنان تعریف شوند که یا حاوی همه اطلاعات مرتبط باشند یا کاستی‌هایشان تحلیل را ضعیف نکنند. یا اگر ارتباطی بین‌شان هست، موجب سوگیری نشود. |
|-----------------|--|
| واحد کدگذاری | با شمول یک قطعه متنی، آن را به شکلی متمایز، توصیف و به مقوله مرتبط با خود، منسوب می‌کند. این واحد اغلب در واحد نمونه‌گیری محاط و با آن هم‌زمان است. در تحلیل محتوا، برای آنکه افراد درباره آن به توافق برسند، آن را کوچک‌ترین واحدی می‌شمرند که حاوی همه اطلاعات مورد نیاز تحلیل - یا احتمالاً کوچک‌ترین واحد معنادار متن - است. |
| واحد بافت | محدوده اطلاعاتی را که باید در توصیف واحدهای کدگذاری لحاظ شوند در متن مشخص می‌کند. این واحدها می‌توانند دارای هم‌پوشی باشند یا در توصیف چند واحد کدگذاری به کار روند و محدودیتی برای اندازه و حجم ندارند |

در تحلیل محتوای کیفی، به جای کلمه، جمله یا پاراگراف، معمولاً *مضمون* (theme) را به عنوان واحد

۱. نوعی نظام دسته‌بندی را برای تحلیل داده‌ها فراهم می‌کنند.

۲. استخراج آنها از بافت در صورتی پذیرفته است که بافت، کاملاً مورد تحقیق قرار گرفته، نظریه‌پردازی شده و، به‌ویژه، شامل پرسش‌هایی باشد که تحلیل در جستجوی پاسخ آنهاست.

۳. باید متن را، با صرفه‌جویی، دسته‌بندی کنند و هم‌زمان، همه اطلاعات متن را پوشش دهند.

۴. باید دارای معنا و چستی مستقل، همگنی درونی، ناهمگنی و تباین بیرونی (نسبت به دیگران) و تناظر یک به یک با یک واحد کدگذاری باشند.

۵. باید دارای تعریف‌ها، نمونه‌ها و قواعد روشنی باشند که با دقت و قطعیت تعیین کنند قطعه‌های متنی و تفسیرهاشان چگونه به آنها منسوب می‌شوند (کریپندورف، ۲۰۰۴: ۳۵-۳۶، ۸۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۷۲-۱۷۳، ۱۷۶؛ ژانگ و ویلدماث، ۲۰۰۹: ۳۱۱؛ الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۰۸؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۴۸، ۵۳؛ میرینگ، ۲۰۰۰: ۳، ۵).

۲ - ۷. مجموعه متنی (ویژگی‌ها، شرایط)

متن‌های آماج تحلیل، نوعاً برای اهدافی مغایر با آن و بدون توجه به بافت، تولید شده‌اند (دریسکو و ماشی، ۲۰۱۵: ۴۲).

لذا دغدغه تحلیل محتوا، آن است که متن‌ها با پرسش‌ها مرتبط و برای یافتن پاسخ‌های مساعد، مفید باشند. در تحلیل محتوای کیفی، متن‌ها باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

۱. خام یا تنظیم نشده (unedited) و حاوی مقادیر بزرگ و پراکنده از اطلاعات ناظر به موضوع باشند که در تحلیل، ساماندهی شده و به مقولات کمتر محتوا تبدیل می‌شوند.

۲. باید حاوی اطلاعاتی کافی و وافی باشند بگونه‌ای

که بتوان معناشان را تشخیص داد و فهمید.

۳. هر متن، منحصر به فرد است و به برخوردی متناسب

با خود نیاز دارد (کریپندورف، ۲۰۰۴: ۱۷، ۲۹، ۸۳، ۸۷

است. لذا نیازمند همه اطلاعات مرتبط و مفید یا شایع نظری است و تا جایی ادامه می‌یابد که نکته جدیدی استخراج نشود (دریسکو و ماشی، ۲۰۱۵: ۹۸، ۱۰۰-۱۰۱؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۴۳؛ وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۳۶؛ کریپندورف، ۲۰۰۴: ۸۷، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۷-۱۱۹؛ بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۶۷-۲۶۸).

۲-۱۱. فهم و پردازش داده

این گام شامل سه بخش مقوله‌بندی، تفسیر و کدگذاری است که، در ادامه، شرح داده می‌شوند.

۲-۱۲. مقوله‌بندی

مقوله‌بندی، فرایند سامان‌دهی مقوله‌ها، به منظور پردازش و دسته‌بندی اجزای خام متن درون آنها است. این امر بر اساس طرح مقوله‌بندی انجام می‌شود و فواید آن عبارتند از: آموزش و راهنمایی کدگذاران درباره تصمیم‌هایی که باید در طول تحلیل بگیرند (هسیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۵)، زمینه‌سازی توافق بین آنها که باید بر اساس این طرح، حاصل شود، و پرهیز از این خطر که داده‌ها بدون پیش‌بینی راهی برای مدیرتشان، انباشته شوند (فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۵۴، ۴۶).

طرح مقوله‌بندی نیز باید حاوی نکات روشنی درباره تعریف مقوله‌ها، پیوندها و تمایزها و نحوه چینش آنها و نیز قواعد نسبت دادن آنها به مقوله‌ها باشد و برای انسجام کدگذاری و شکل دادن به یک نقشه مفهومی، نکات را در قالب جدول یا کتابچه راهنمای مقوله‌بندی یا کدگذاری یا درختواره مقوله‌ها ارائه کند (ژانگ و ویلدماث، ۲۰۰۹: ۳۱۱؛ الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۱۲؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۵۳، ۵۸؛ وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۳۲؛ میرینگ، ۲۰۰۰: ۵).

در ورود قیاسی به داده‌ها، طرح اولیه مقوله‌بندی بر اساس دانش بافت تهیه می‌شود. و در همان حال که در طول تحلیل، بازنگری و پالایش می‌گردد، مجال انباشت و مقایسه یافته‌های تحقیقی متعددی را فراهم می‌کند (الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۱۱؛ کریپندورف، ۲۰۰۴: ۱۰۵، ۳۳۰؛

نمونه‌گیری و کدگذاری برمی‌گزینند. مضمون، ایده‌ای است که در قالب کلمه، عبارت، جمله، پاراگراف یا حتی یک متن، ارائه می‌شود (ژانگ و ویلدماث، ۲۰۰۹: ۳۱۰).

۲-۱۰. گردآوری داده‌ها، نمونه‌ها و نمونه‌گیری

فرایند گردآوری داده‌ها ویژگی‌های زیر را دارد (کریپندورف، ۲۰۰۴: ۸۷؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۴۳؛ الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۱۱-۱۱۲؛ دریسکو و ماشی، ۲۰۱۵: ۳۹، ۱۰۱):

۱. تحلیل هم‌زمان با آن آغاز می‌شود. چون رفت و برگشت بین این دو فرایند برای شناخت داده‌های متناسب با تحقیق و منابع حاوی آنها مفید است.

۲. متن‌ها و داده‌های مرتبط با ابعاد و پرسشهای تحقیق، گزینش می‌شوند.

۳. اقتباس مقوله‌ها از نظریه‌ها، الگوها و دانش پیشینی، هم گردآوری داده‌ها را جهت داده و هم اجازه می‌دهد تنها ابعاد متناسب با مقوله‌ها از بین داده‌ها گزینش شوند.

همچنین، به علل زیر، نمونه‌ها محدودند، نمونه‌گیری، گزینشی و هدفمند است و به شکل‌های نظری یا گلوله‌برفی (یا انباشتی) انجام می‌شود که، به ترتیب، به نمونه‌گیری بر حسب بیشینگی متناسب و فایده برای تحقیق یا از طریق اطلاعات کسب شده از نمونه‌های قبل، اشاره دارند:

۱. متن‌ها، حامل تفسیرهای متعددی هستند که از مطالعه دقیق آنها به دست می‌آیند. این مطالعه، به خودی خود، حجم نمونه را محدود می‌کند.

۲. دغدغه تحلیل، مرتبط بودن متن‌ها و پاسخ دادن آنها به پرسش‌هاست. از این رو، مواردی را برمی‌گزیند که سرشار از اطلاعات هستند، بیشترین استفاده تحلیلی را دارند و به کار ارائه پاسخ‌های مساعد می‌آیند.

۳. واحدهای متنی، نوعاً، ارتباط یکسانی با پرسش‌ها ندارند. لذا، نمونه‌گیری، تابع دانسته‌ها درباره چگونگی و بیشینگی توزیع اطلاعات در متن است.

۴. هدف، فهم پدیده و انتقال‌پذیری (transferability)

۳. هماهنگی کدگذاران و انسجام آن به کمک جدول یا کتابچه راهنمای مقوله‌بندی یا کدگذاری، تضمین می‌شود (ژانگ و ویلدیمات، ۲۰۰۹: ۳۱۱).

۴. در راهبرد ترکیبی، به سبب ورود قیاسی به داده‌ها، کدگذاری اولیه بر اساس مقوله‌های پیشینی، آغاز می‌شود. سپس، کار استقرایی در میانه تحلیل، مقوله‌های جدیدی را ایجاد، مقوله‌های اولیه را پالایش یا حذف، و طرح یا کدگذاری اولیه را اصلاح می‌کند (سیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۲؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۴۸؛ ابوالمعالی، ۱۳۹۲: ۸۸).

۵. کدگذاری نهایی، پس از اطمینان از اعمال پایا و منسجم کدها و توافق کدگذاران انجام می‌شود (فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۵۴؛ ژانگ و ویلدیمات، ۲۰۰۹: ۳۱۱).

۶. ارزیابی در فاصله کدگذاری اولیه و نهایی و نیز پس از کدگذاری نهایی، با بررسی و حل تردیدها و مشکلات زیر و به شکلی تکرار شونده انجام می‌شود و تا انسجام کافی کدگذاری ادامه می‌یابد: تعریف‌های مقوله‌ها و انسجام مقوله‌بندی، کدگذاری و قواعد کدگذاری (همان: ۳۱۱-۳۱۲).

۲ - ۱۵. استنتاج

استنتاج، بازسازی معناهاى برگرفته از داده‌ها در مسیر پاسخ به پرسش‌ها (وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۲۷؛ ژانگ و ویلدیمات، ۲۰۰۹: ۳۱۲؛ کریپندورف، ۲۰۰۴: ۳۰) و دستاورد اصلی تحلیل محتواست (همانجا). فورمن و دمسکرودر (۲۰۰۸: ۵۶، ۵۸) ابعاد آن را اینگونه شرح داده‌اند:

۱. بازچینی، به هم آمیختن (synthesize) و بازهم‌گذاری (re-assemble) داده‌های کدگذاشته با روشن کردن روابطی که بین عناصر زیر وجود دارد: بین مقوله‌ها و مفهوم‌های تشکیل دهنده آنها؛ بین خود مقوله‌ها؛ بین مقوله‌ها و داده‌های کدگذاشته؛ بین خود داده‌ها؛ و بین متن و مقوله‌ها و متن و داده‌ها به شکلی که فهم منسجمی در پاسخ به

ژانگ و ویلدیمات، ۲۰۰۹: ۳۱۰-۳۱۱؛ هسیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۶).

۲ - ۱۳. تفسیر

تفسیر، کانون و کارکرد اصلی تحلیل محتوای کیفی و بیانگر بیان دوباره (rearticulation) متن از منظر بافت برگزیده (کریپندورف، ۲۰۰۴: ۱۷، ۸۷) یا فهم و تحلیل محتوای پنهان است که به کشف معانی نهفته در واژه‌ها و روابط میان آنها و محتواها اشاره دارد (سیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۳-۱۲۸۴). الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۰۹؛ برگ، ۲۰۰۱: ۲۴۲). نکات زیر در این مرحله، شایان توجه هستند:

۱. متن‌ها، تحمل تفسیرهای متعددی را دارند (کریپندورف، ۲۰۰۴: ۸۷).

۲. کار تا دستیابی به تفسیری قانع کننده، ادامه می‌یابد (همان: ۸۸).

۳. در طول تحلیل، در کنار مرتب‌سازی داده‌ها و با هم انجام می‌شود.

۴. راه‌های بسیاری برای انجام آن هست (فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۵۶).

۵. قواعد نظام‌مند و مشخصی برای آن وجود ندارد (الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۰۹).

۲ - ۱۴. کدگذاری

کدگذاری در سه شکل اولیه یا نمونه، نهایی و ارزیابی کدگذاری انجام می‌شود. و عبارت است از: پیوند دادن قطعات فراوان متن با مقوله‌ها و فروگاهی، بازچینی و ساماندهی آنها در این جعبه‌ها (سیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۵؛ الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۱۱؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۴۹). در تحلیل محتوای کیفی، کدگذاری، ابعاد و ویژگی‌های زیر را دارد:

۱. با تحلیل در آمیخته و از جنس آن است (وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۳۳، ۳۹).

۲. بر اساس طرح کدگذاری صورت می‌پذیرد. و قطعه‌های متن بر اساس قواعد کدگذاری، کد می‌خورند (کریپندورف، ۲۰۰۴: ۸۳؛ سیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۵).

معیارهای ارزیابی تحقیق، عمدتاً در دو قالب پایایی و روایی بیان شده‌اند. در ادامه، تعریف و سنجه‌های پایایی و روایی در تحلیل محتوای کیفی و مراحل مختلف آن، ترسیم شده‌اند.

روایی، کیفیتی در نتایج تحقیق است که آنها را به توصیف دقیق واقعه یا تبیین صحیح آن و چراییش بدل می‌کند. سنجه کلی روایی، باز بودن در تحقیق بر موشکافی‌های دقیق و، در تحلیل محتوا، تاب آوردن استنتاج در آزمون شواهد مستقل، مشاهدات جدید و نظریه‌ها یا تفسیرهای رقیب است (جپ، ۲۰۰۶: ۳۱۱؛ کریپندورف، ۲۰۰۴: ۱۸، ۳۱۳). برخی سنجه‌های روایی در جدول زیر آمده‌اند؛ با این توضیح که تحلیل محتوا تنها می‌تواند بخشی از آنها را لحاظ کند (همان: ۳۱۸)

پرسش‌ها حاصل آید.
۲. ارائه شواهدی که حامی کدگذاری داده‌ها و این بازچینی، ترکیب و بازهم‌گذاری باشند.
۳. استخراج الگوها یا نظم‌های موجود در آن داده‌ها و در بازچینی، ترکیب و بازهم‌گذاری آنها.
۴. تدوین پاسخ‌های پرسش‌ها بر اساس بازهم‌گذاری‌ها، الگوها و نظم‌ها.
۵. جاسازی دستاوردهای بندهای قبل در یک چارچوب تحلیلی یا سامانه مفهومی.
ژانگ و ویلدمات (۲۰۰۹: ۳۱۲) نیز توفیق استنتاج را، تقریباً به طور کامل، بسته به توان استدلال محقق می‌دانند.
۲ - ۱۶. ارزیابی تحقیق

جدول شماره ۳. سنجه‌های روایی در تحلیل محتوای کیفی

| | | |
|----|--------------------------------|---|
| ۱ | اعتمادپذیری (trustworthiness) | گزارش تفصیلی، کافی و صادقانه فرایند و نتایج تحلیل که به فهم روشن چگونگی استخراج و نقاط قوت و ضعف آنها بینجامد (الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۱۲). |
| ۲ | | تناسب و اتکای طرح کدگذاری بر قواعد نظام‌مند، منطقی و علمی |
| ۳ | انتقال‌پذیری (transferability) | میزان مشابهت یا هم‌سازی بافت‌ها (فلیک، ۲۰۱۴: ۵۲) و کاربردپذیری یافته‌ها و سازه‌ها از یک بافتی به دیگری (وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۳۸؛ ژانگ و ویلدمات، ۲۰۰۹: ۳۱۳) |
| ۴ | | ارائه مجموعه داده‌ها و توصیف‌های غنی برای روشن شدن این شباهت و کاربردپذیری |
| ۵ | | شرح روشن بافت و فرایندهای تحقیق (گردآوری و تحلیل داده، ...) |
| ۶ | باورپذیری (credibility) | درگیری مدید محقق در رشته، سه‌بندی‌سازی (triangulation)، ملکه با هم‌تایین (peer debriefing)، بازنمایی کافی با راهبرد مناسب گردآوری داده، تعریف روشن واژه‌ها و مقوله‌ها، رویه‌های روشن کدگذاری و استخراج نتایج، دانش و تجربه کدگذاران (ژانگ و ویلدمات، ۲۰۰۹: ۳۱۳، ۳۱۵). |
| ۷ | تصدیق‌پذیری (confirmability) | بیان روشن روش‌ها، قواعد و معیارهای گزینش و تحلیل و تفسیر داده، تصمیم‌ها، پرس و جوها، تدبیرها و فرایند تولید نتایج در یادداشت‌ها (همان: ۳۱۷). |
| ۸ | روایی سازه‌ها | غنا دانسته‌های بافت (کریپندورف، ۲۰۰۴: ۸۹-۹۰). |
| ۹ | | تناظر (correspondence) ساختاری با بافت یا هماهنگی با یک نظریه دارای روایی (همان: ۱۷۸). |
| ۱۰ | روایی نمونه‌گیری | بازنمایی دقیق نمونه‌ها از متن و منع سوگیری پاسخ‌ها (همان: ۳۶؛ کریپندورف، ۲۰۰۴: ۱۱۱) |
| ۱۱ | | نمونه‌ها حاوی بیشترین استفاده تحلیلی و شامل همه اطلاعات |
| ۱۲ | | اطلاعات مفقود در نمونه‌ها، تحلیل را ضعیف نکنند (همانجا). |
| ۱۳ | روایی فهم معنای پنهان | تأیید شواهد یا فنون مستقل پشتیبان اتوافق کدگذاران منابع غیرتحلیل محتوایی، مستندسازی با لاف ۳ شاهد (گزیده تفصیلی از گزاره‌های مناسب) (هولستی، ۱۹۶۹: ۱۹۶۹). |
| ۱۴ | روایی کدگذاری | کدگذاری نمونه (ژانگ و ویلدمات، ۲۰۰۹: ۳۱۱). |
| ۱۵ | روایی استنتاج | نظام‌مندی و شفاف بودن رویه‌های داده‌پردازی (همان: ۳۱۰). |
| ۱۶ | روایی ساختاری | بازنمایی دقیق مقوله‌ها از معناهای پایدار در بافت و کاربردهای شناخته شده متن (ها) است یا مناسبات قطعی و پایدار بین متن (ها) و نظریه‌های دارای |
| ۱۷ | روایی معنایی | مطابقت سازه‌ها با معناهای متن‌ها در درون بافت (همان: ۳۱۹). |

(کرپیندورف، ۲۰۰۴: ۲۱۱). برخی سنجه‌های پایایی در جدول زیر آمده‌اند:

پایایی نیز، بیانگر ارائه نتایج منسجم و هم‌ساز (consistent) از تحقیق (جاپ، ۲۰۰۶: ۲۶۲) و در تحلیل محتوای کیفی، از جمله، عبارت است از توافق بر سر خواشنها و تفسیرهای متنها یا داده‌های خاص

جدول شماره ۴. سنجه‌های پایایی در تحلیل محتوای کیفی

| | | |
|----|-------------------------------|---|
| ۱ | بازسازی‌پذیری (replicability) | فهم‌پذیری بین‌ذهنی فرایند تحلیل (اسپاناجل و دیگران، ۲۰۰۵: ۳). |
| ۲ | | اینکه محققانی که در زمانها و شرایط مختلف کار می‌کنند، با اعمال یک فن تحقیق بر داده‌های واحد، به نتایج یکسانی برسند (کرپیندورف، ۲۰۰۴: ۱۸؛ سپرس، ۲۰۱۷: ۲۵۶). |
| ۳ | | رصد و گزارش کامل و صادقانه رویه‌ها و فرایندهای تحلیل، پیوند داده‌ها و یافته‌ها و تصمیمها و کاربرتهای (practices) فرایند کدگذاری (ژانگ و ویلدمات، ۲۰۰۹: ۳۱۲؛ الو و کینگلس، ۲۰۰۸: ۱۱۲). |
| ۴ | انکابپذیری (dependability) | پایداری یافته‌ها در موارد تکرار مطالعه پس از نادیده گرفتن (discounting) تغییرات آگاهانه و پیش‌بینی‌ناپذیر (اما معقول و منطقی) (وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۳۸). |
| ۵ | | ارزیابی دقیق تحقیق (عباس‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۸). |
| ۶ | | بیان تفصیلی فرایند تحلیل و پیوند داده‌ها و یافته‌ها در گزارش تحقیق (الو و کینگلس، ۲۰۰۸: ۱۱۲). |
| ۷ | انکابپذیری داده‌ها | گرد آمدن منسجم و یکپارچه و به دور از تغییرات ناروای مؤثر بر چستی آنها (یو و دیگران، ۲۰۱۱: ۷۳۸). |
| ۸ | پایایی | اینکه همسنگی‌های پایدار درون بخت را نشان دهند (کرپیندورف، ۲۰۰۴: ۱۷۲). |
| ۹ | سازه‌ها/مقوله‌ها | اینکه پیوسته (در زمانها یا توسط افراد مختلف) به یک محتوا منسوب شوند (وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۳۲). |
| ۱۰ | پایایی کدگذاری | جامع و مانع بودن مقوله‌ها، دقت و وضوح تعریف‌ها، قواعد و دستورالعمل‌های سهل‌انجام و مثال‌های واضح در طرح یا جدول کدگذاری (همانجا). |
| ۱۱ | | کدگذاری آزمایشی و نمونه، تکرار کدگذاری در فاصله زمانی مطمئن، بررسی کدگذاری و توافق حداقل دو کدگذار محقق (شلینگ، ۲۰۰۶: ۳۳-۳۲؛ اسپاناجل و دیگران، ۲۰۰۵: ۳). |
| ۱۲ | پایایی استنتاج | نظام‌مندی و شفاف بودن رویه‌های داده‌پردازی (ژانگ و ویلدمات، ۲۰۰۹: ۳۱۰). |

۳. گزارش تحقیق انجام شده

۳-۱. مسأله و هدف تحقیق

عنوان پژوهش موضوع گزارش، «نظریه قرآنی کجروی: رویکرد کلان» و مسأله آن، شناسایی نظریه یا تحلیلی بوده است که می‌توان درباره فهم اجتماعی کجروی و بزه‌دیدگی و مناسبات علی آنها با عوامل کلان پیرامونی به قرآن نسبت داد (ر.ک. سلیمی، ۱۳۹۳: ۲). ۱-۵، ۱۴-۷؛ همو، ۱۳۹۳: ۱). ۲۸؛ همو، ۱۳۹۵: ۷-۶؛ همو، ۱۳۹۶: ۲۴؛ محسنی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۱۱۳). هدف‌های تحقیق نیز عبارت بوده‌اند از:

- توصیف نظریه یا تحلیلی که می‌توان درباره تعریف اجتماعی کجروی و بزه‌دیدگی و مناسبات علی (شکل‌گیری، استمرار و تقویت) آنها با عوامل کلان به گزاره‌های قرآنی نسبت داد؛
- ارائه نظام‌مند تحلیل یاد شده در قالب (بدنه گزاره‌ای) نظریه یا رویکرد نسبت‌پذیر به قرآن که

۲-۱۷. گزارش تحقیق

کرپیندورف (۲۰۰۴: ۸۵) این مرحله را روایت کردن پاسخ پرسش‌ها و محتوای آن را فهم‌پذیر کردن نتایج تحقیق برای دیگران می‌داند. مبنای تدوین پاسخ‌ها، بازگشت به پرسش‌ها و توضیح روابط بین مفهوم‌ها، بین مقوله‌ها، بین مفهوم‌ها و مقوله‌ها و بین متن و مقوله‌ها - با تکیه بر مفهوم‌ها و متعلقات نظری آنها و مستندات مناسب - است تا یافته‌ها و تفسیر داده‌ها، پالایش و شفاف شود. گزارش غنی و صادقانه، با شرح داده‌ها، یافته‌ها، مستندات، مراحل، فرایندها، رویه‌ها، تصمیم‌ها، معیارها، جدول‌ها و نمودارها، نقش مهمی در بازسازی‌پذیری، تصدیق‌پذیری، باورپذیری و انتقال‌پذیری تحقیق دارد (ژانگ و ویلدمات، ۲۰۰۹: ۳۱۲، ۳۱۸؛ وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۴۰).

یا نظریه خاص شکل می‌گیرند، غالباً منحصر بدان حوزه یا نظریه نیست. و این مفهومیها، از جمله به سبب واقع‌نمایی و فارغ از هم‌بسته‌هایی که در مولد خود داشته‌اند، در دستگاه‌های دیگری، مطرح شده‌اند (بوریل و مورگان، ۱۳۸۳: ۱۴۱-۱۴۶؛ جلالی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰۲، ۱۲۲؛ وایت و هینز، ۱۳۹۰: ۳۵).

۴. پیوند مفاهیم دو قلمرو، به‌ویژه، بر اساس راهبرد رایش در تحلیل محتوای کیفی، موجه می‌نمود.

۳-۲. روش تحقیق

با توجه به نکاتی که در بیان مسأله گذشت و نیاز تحقیق به روش یا فنی که استنباط از قرآن را ممکن و برای پایایی و روایی یافته‌ها، معیارهای علوم اسلامی و اجتماعی را احراز کند، تحلیل محتوا به عنوان روش تحقیق انتخاب شد. چگونگی تعیین راهبردهای این روش، در ادامه می‌آید.

۳-۳. طراحی تحقیق

این تحقیق، با لحاظ تجربه‌هایی که در مراحل اجرایی خود به دست آورده است، الگوهایی را که از مراحل تحلیل محتوا ارائه شده‌اند (ر.ک. میرینگ، ۲۰۰۰: ۴-۶؛ همو، ۲۰۱۵: ۵۴، ۹۶؛ کرپندورف، ۲۰۰۴: ۸۳-۸۷؛ الو و کینگاس، ۲۰۰۸: ۱۰۹-۱۱۲؛ چو و لی، ۲۰۱۴: ۱۱؛ ابوالمعالی، ۱۳۹۲، ۸۸-۹۸؛ عادل‌مهربان، ۱۳۹۴: ۶۵-۱۰۳) بررسی کرده و کوشیده است تا به الگویی سازگار با ابعاد و نیازهای خود، دست یابد. حاصل تلاش، طراحی تحقیق در پنج مرحله است که در نمودار شماره ۱ آمده و در گام‌های اجرا شده تحقیق به کار رفته و اصلاح و تکمیل شده‌اند.

در پرتو مبانی فراتجربی آموزه‌های اسلامی، فهم می‌شود (برای برخی مبانی مرتبط و همخوانی آنها با رویکردهای کلان کجروی و بزه‌دیدگی، ر.ک. سلیمی، ۱۳۹۳(۲): ۱۱۶-۱۲۵، ۱۲۷-۱۲۹، ۱۳۹-۱۴۲؛ همو، ۱۳۹۵: ۶، ۱۳). و معیارهای پذیرش در علوم اسلامی و اجتماعی را دارد؛

- زمینه‌سازی پاسخگویی آموزه‌های اسلامی به پرسش‌ها و مسائل علوم اجتماعی، به عنوان دغدغه و رویکرد پژوهشی مشترک و بستری برای گفتگوی مؤثر محققان علوم اسلامی و اجتماعی.

- همچنین با لحاظ روش برگزیده تحقیق و احراز شدن ظرفیت آن در تحصیل روایی در علوم اسلامی و اجتماعی - که در ادامه می‌آید - هدف جزئی، تحلیل محتوای کیفی قرآن بوده است.

البته، در بادی نظر، هدف پاسخگویی آموزه‌های اسلامی به پرسش‌ها و مسائل علوم اجتماعی یا فهم اجتماعی درونمایه‌های آنها با ابهام‌هایی درباره دو نکته زیر همراه بود: تبیین مبانی فراتجربی درونمایه‌های قرآنی و یافته‌های علوم اجتماعی و آثار این تبیین بر امکان همخوانی آن درونمایه‌ها و یافته‌ها. اما به نظر می‌رسد نکات زیر، این ابهام‌ها را برطرف می‌کنند:

۱. زبان عرفی - و، در نتیجه، معناداری و فهم‌پذیری - گزاره‌های قرآنی و ناظر به واقع بودن بخش مهمی از آنها که یک زمینه کمیت‌پذیری و همخوانی آنها با یافته‌های علوم اجتماعی است.

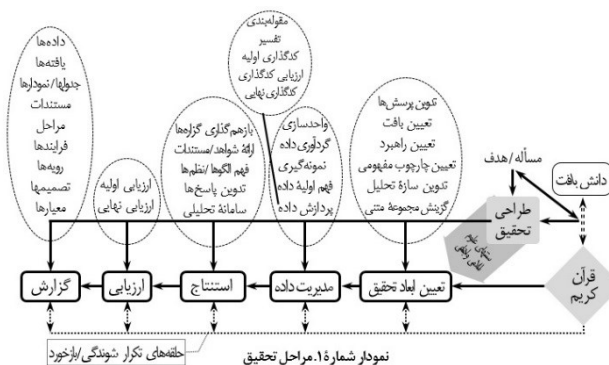
۲. بسیاری از محققان علوم اسلامی و اجتماعی، وجود چشم‌اندازها، ایده‌ها و مفهومی‌های مشترک در این دو قلمرو و امکان برگردان آنها را به زبان یکدیگر می‌پذیرند (فغفور، ۱۳۸۶: ۴۷-۵۰؛ دلال، ۱۳۸۶: ۱۳۰؛ شجاعی‌زند و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۷-۱۱۹، ۱۲۱؛ آزاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۴۰-۱۴۲؛ محسنی و سلیمی، ۱۳۹۳(۲): ۱۱۴-۱۱۶).

۳. هویت یا معنای مفهومی‌هایی که در یک دستگاه نظری

ادامه گزارش، حاوی نکات شایان توجه درباره مراحل

این تحقیق است:

۳-۳-۱. تعیین ابعاد تحقیق



۳-۳-۱-۱. تدوین پرسش‌ها

با لحاظ مسأله تحقیق، پرسش‌ها به شکل باز و با لحاظ عناصری تدوین شدند که در مطالعات کلان کجروی و بزه‌دیدگی - در سه حوزه ساختی، تضاد، پاره‌فرهنگی و همچنین حوزه نسبتاً مستقل بزه‌دیدگی‌شناسی - پیرامون سه محور زیر مطرح هستند:

۱. عناصر موجود در تعریف کجروی و بزه‌دیدگی و طبیعت اجتماعی آنها،
۲. مناسبات علی (اثربرداری و اثرپذیری) کجروی و بزه‌دیدگی و عوامل مطرح شده در هر رویکرد،
۳. مکانیسم‌های علی و عوامل میانجی اثرگذار در مناسبات علی یاد شده.

پرسش‌ها در دو سطح کلی و جزئی طرح شدند. پرسش‌های کلی، ناظر به سه محور بالا بودند. نمونه ۱: دو پرسش کلی مرتبط با رویکرد ساختی به شرح زیر هستند (سلیمی، ۱۳۹۳): (۲۱):

۱. تحلیل قرآن از تعریف ساختی کجروی و بزه‌دیدگی و عناصر سازنده این تعریف چیست؟

۲. تحلیل قرآن از مناسبات علی عناصر ساختی با کجروی و

بزه‌دیدگی و مکانیسم‌های اثرگذاری در آنها چیست؟

پرسش‌های جزئی نیز بر اساس عناصری تنظیم شدند که در هر رویکرد در توضیح محورهای بالا مطرح شده‌اند.^۱

۳-۳-۱-۲. تعیین بافت و تدوین چارچوب مفهومی و سازه‌ها

با لحاظ مسأله، اهداف و پرسشهای تحقیق، یافته‌های کلان مطالعات کجروی و بزه‌دیدگی و مشخصاً یافته‌های حوزه‌های ساختی، تضاد، پاره‌فرهنگی و بزه‌دیدگی‌شناسی به عنوان بافت تحلیل، انتخاب شد.

با عنایت به خاستگاه پرسش‌ها، چارچوب مفهومی و سازه‌های تحلیل را مضمون‌های کلی‌ای شکل دادند که در حوزه‌های مذکور، پیرامون سه محور کلی پرسشهای تحقیق و به عنوان هم‌بسته‌های مستقل و میانجی کجروی و بزه‌دیدگی، مطرح شده‌اند. این کار، ویژگی‌ها و ثمرات زیر را داشت:

همخوانی با ورود قیاسی به داده‌ها که، چنانکه می‌آید، بخشی از راهبرد برگزیده در تحقیق است. سازگاری با دیدگاهی که در پژوهش توصیفی، هدایت نظری، استنتاج فرضیه از نظریه‌ها و بیان فرضیه‌ها با تعبیرهای کلی را می‌پذیرد (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۱۰۳؛ ساعی، ۱۳۸۶: ۶۳-۶۷).

برخوردار شدن سازه‌ها از روایی لازم به سبب غنای نظری و تجربی بافت و تدوین آنها بر اساس یافته‌های ماندگار و مورد وفاق آن که پشتوانه نظری و تجربی قابل اتکایی دارند.

در این بین، کلی بودن مضمون‌ها می‌توانست تمایزهای احتمالی دیدگاه‌های قرآنی و یافته‌های مطالعات کجروی و بزه‌دیدگی را آشکار نکند. اما به نظر می‌رسید گزینش آنها،

۱. مثلاً پرسش‌های مرتبط با رویکرد ساختی، ناظر به پانزده عنصر هستند که در قالب ۶ مقوله و ۹ زیرمقوله آنها، سازه‌های ساختی تحلیل را شکل داده‌اند. و در نمودار درختواره مقوله‌های تحقیق بدانها اشاره می‌شود.

نهفته‌اند.

۲. با آنکه محققان علوم اسلامی می‌پذیرند که برخی محتواهای آشکار در متون مقدس بر نکاتی چون تعیین اولویت‌ها یا درجه‌بندی آنها دلالت دارند (اعرافی، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۲؛ جانی‌پور و شکرانی، ۱۳۹۲: ۳۹، ۴۱-۴۲)، این محتواها تنها از بخش اندکی از پیام‌های قرآن پرده برمی‌دارند و بخش عمده پیام‌ها از نوع محتوای پنهان هستند.

۳. در علوم اسلامی، برخلاف ضوابط دقیقی که در زمینه تفسیر محتواهای پنهان گزاره‌های متون مقدس وجود دارد، معیارهای مشخصی برای احراز روایی برداشت از عناصر کمی، معرفی نشده است. این در حالی است که میان‌رشته‌ای بودن تحقیق، آن را نیازمند فهمی از درونمایه‌های قرآنی می‌سازد که در هر دو حوزه علوم اسلامی و اجتماعی دارای روایی باشد.

۳. تحلیل کمی یا کیفی: سر و کار داشتن تحقیق با محتواهای پنهان قرآنی، نشان می‌داد که تنها راهبرد کیفی در تحلیل آنها مفید خواهد بود.

۴. راهبرد ترکیبی: پنج نکته زیر نشان می‌دادند که ورود قیاسی به داده‌ها و سپس، ایجاد، پالایش یا حذف استقرایی مقوله‌ها - که به عنوان راهبرد ترکیبی غالب در تحلیل محتوا از آن یاد شد - مسیر مناسبی برای رساندن تحقیق و یافته‌های آن به سطح مطلوب است:

۱. یافته‌های مطالعات کجروی، یا دانسته‌های بافت، غنای کافی دارند. چنانکه گذشت، این ویژگی، به سازه‌ها، روایی و به اقتباس‌شان از بافت، اولویت می‌دهد. وانگهی، نکات و پرسش‌های جدیدی را طرح می‌کند که با گسترش زاویه دید تحقیق، زمینه فهم دقیق‌تر و رمزگشایی از ناشکفته‌های قرآن می‌شوند (صدر، ۱۴۲۶: ۱۷-۲۴؛ کریمی، ۱۳۸۹: ۱۱۴-۱۱۵؛ باقری، ۱۳۸۸: ۸۷، ۱۰۱؛ سبحانی و واعظی، ۱۳۷۹: ۳۰). این غنا، همچنین تحقیق را از تکیه بر یافته‌های علمی غیر قطعی، که تهدیدی در تفسیر قرآن

لازمه‌گریزناپذیر و نقطه قوتی برای کار و نقطه شروع مناسبی برای این تحقیق و امثال آن است که همچنان در آغاز راهند؛ چون، با نشان دادن ابعاد رویکردهای یاد شده در دیدگاه‌های قرآنی، نسبت‌پذیر بودن آنها به قرآن و پاسخ‌های کلی قرآن را به پرسش‌هاشان، معلوم و مسیری را برای پژوهش‌های آتی، ترسیم می‌کند. پشتوانه علمی مضمون‌ها نیز تحلیل را از تکیه بر یافته‌های غیرقطعی، که تهدیدی در تفسیر قرآن است (دلالت، ۱۳۸۶: ۱۰۴؛ باقری، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۷)، دور می‌کنند.

۳-۳-۱-۳. تعیین راهبردها

چنانکه گذشت، یک تحقیق تحلیل محتوایی باید راهبرد خود را در چهار محور، انتخاب و معرفی کند. راهبردهایی که تحقیق مورد نظر در این محورها برگزیده است، به شرح زیر هستند:

۱. توصیف، تحلیل یا تبیین: مواضع تحقیق در تعریف مسأله، اهداف و پرسش‌ها نشان دادند که نیازمند شرحی از عناصر زیر است که کامل، دقیق، منظم، قطعی، در مسیر پرسش‌های روشن و صریح و شامل ایجاد و پروراندن مجموعه‌ای از مقوله‌ها باشد: چستی درونمایه‌های اجتماعی قرآن درباره کجروی و بزه‌دیدگی و الگو(ها) و ویژگی‌های نسبت‌پذیر به این درونمایه‌ها. شرح این عناصر، تحقیق را در سطح توصیف، قرار می‌دهد (بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۰۱-۱۰۴). و ویژگی «شرح نظام‌مند معنای داده‌ها»، که برون‌داد تحلیل محتوای کیفی و هدف تحقیق است، آن را به سطح *نظم‌دهی مفهومی* می‌رساند که از نگاه اشتراوس و کربین (۱۳۹۰: ۴۰-۴۳) پیش‌درآمد نظریه‌پردازی است.

۲. محتوای آشکار یا پنهان: سه نکته زیر نشان می‌دادند که تحلیل محتوای متناسب با این تحقیق، اصولاً با محتواهای پنهان سر و کار خواهد داشت:

۱. سبک و سیاق بیان گزاره‌های قرآنی و پیچیدگی‌هایی که در فهم‌شان وجود دارد، درونمایه‌های آنها را در زمره معانی ساختاری عمیقی قرار می‌دهد که در آن گزاره‌ها

است، دور می‌کند.

۲. هدف تحقیق در یافتن پاسخ‌های قرآن به پرسش‌های مطالعات کجروی و بزه‌دیدگی، نوعی پاسخگویی علوم اسلامی به پرسش‌های علوم اجتماعی و زمینه‌سازی گفتگوی مؤثر این دو حوزه و لازمه آن، تدوین پرسشها و سازه‌های تحلیل براساس دانسته‌های بافت است.

۳. با توجه به نکات زیر، پاسخگویی قرآن به پرسشهای علوم اجتماعی، هدف راهبرد قیاسی - در آزمون دوباره یافته‌ها، به‌کارگیری آنها در موقعیتهای متفاوت و پالایش، گسترش یا غنا بخشیدن به آنها - را تأمین می‌کند: قرآن، منبع متفاوتی برای معرفت‌های بشری است. این پاسخگویی، نوعی اعتبارسنجی و آزمون دوباره یافته‌های آن علوم از نگاه قرآن است و حسب مطالعات انجام شده، دیدگاه‌های آن در پالایش، گسترش و غنای آن یافته‌ها مؤثرند.

۴. رسالت اسلام در زمینه سعادت و تکامل فردی و اجتماعی انسان‌ها، زمینه نگاه جامع، دقیق و نظام‌مند آن به مسائلی بوده که در زمینه کجروی و بزه‌دیدگی و زدودن آنها از صحنه حیات، فراروی افراد و اجتماع‌هاست. این امر، در کنار تفاوت‌هایی بنیادی که آموزه‌های اسلامی در مبانی فراتجربی خود با دانش تجربی موجود دارند، مطالعه استقرایی آنها را - به عنوان راهی برای فهم درونی و مستقل شان (ر.ک. سفیری، ۱۳۸۸: ۲۷۰) - ضرورت می‌بخشد.

۵. تأثیر پیش‌دانسته‌ها از جمله مشکلات تحقیقات کیفی، تحلیل محتوا و تفسیر قرآن است (مین‌فیلد، ۲۰۰۴: ۱۵۳؛ کریندورف، ۲۰۰۴: ۸۷؛ هسیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۳؛ باقری، ۱۳۸۸). از این رو، مطالعه استقرایی - به عنوان راه پرهیز از تحمیل دیدگاه‌های بیرونی به فهم و کاهش تأثیر دانسته‌ها (بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۵۳) - راه‌حلی برای این مشکل و نیز دور شدن از التزام ناروا به یافته‌های تجربی در فهم قرآن خواهد بود (ر.ک. باقری، ۱۳۸۸: ۹۹-۱۰۰).

۳ - ۳ - ۱ - ۴. گزینش مجموعه متنی (و جمعیت نمونه)

قرآن به عنوان مجموعه متنی و جمعیت نمونه انتخاب شده است. چون به سبب ویژگی‌های زیر، شرایط یک مجموعه متنی متناسب با اهداف و همچنین یک نمونه قابل اتکا در تحقیق را دارد. و پاسخ‌های مناسب و معتبری را برای پرسش‌ها فراهم می‌آورد:

۱. نظر به رسالت اسلام در زمینه سعادت و تکامل فردی و اجتماعی انسان‌ها و نگاه جامع آن به مسائل مرتبط با کجروی و بزه‌دیدگی، با مسأله، هدف و پرسش‌های تحقیق تناسب دارد.

۲. حاوی حجمی گسترده از اطلاعات معنادار، فهم‌پذیر و مورد نیاز برای پاسخ به پرسش‌هاست.

۳. در زمینه ارائه اطلاعات نسبت‌پذیر به اسلام، دارای بالاترین سطح اعتبار و اعتمادپذیری است.

۴. برای فهم معنای اطلاعات آن و مستندسازی این فهم، منابع معتبر و کافی، وجود دارد.

۵. اطلاعات موجود در آن به سوگیری پاسخ‌ها و اطلاعات ناگفته‌اش به کاستی تحلیل نمی‌انجامند.

نکات زیر نیز بر گزینش آن به عنوان جمعیت نمونه صحه می‌نهند: مقبولیت نمونه‌گیری گزینشی در تحقیق کیفی و اینکه این کار، زمینه بازنمود کامل مجموعه متنی است (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۵۷).

۳ - ۳ - ۲. مدیریت داده

۳ - ۳ - ۱. واحدسازی

سه واحد شایان توجه در این تحلیل محتوا در سطوح زیر، تعریف شدند:

۱ و ۲. واحد برگزیده نمونه‌گیری و کدگذاری - که می‌توانند یکی باشند (وایت و مارش، ۲۰۰۶: ۲۹) - مضمون است که در این تحقیق، گزاره قرآنی نام دارد. و عبارت است از مضمون نسبت‌پذیر به یک فراز قرآنی که ممکن است در بخشی از یک آیه یا بیش از آن ارائه شود.

۳. واحد بافت - برحسب دامنه اطلاعاتی که در علوم

اسلامی برای فهم معتبر آیات، لازم می‌دانند - از جمله تا

۴. گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافته است که به نظر می‌رسید با شناسایی مضمون‌هایی که نماینده همه فزاهای مرتبط هستند، سطح قابل اتکایی از شیاع نظری حاصل آمده است.

۳ - ۲ - ۳. فهم اولیة داده‌ها

فهم اولیة داده‌ها، به عنوان مقدمه پردازش آنها، هم‌زمان با مراحل گردآوری و گزینش داده‌ها و نیز در ادامه این دو مرحله، در چهار گام انجام گرفت (درباره این گام‌ها در تفسیر قرآن، ر.ک. مصباح، ۱۳۸۸: ۱۰-۱۱؛ رجبی، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۲۵):

۱. فرازهای قرآنی مرتبط بر اساس فهمی کلی که از ظاهر فرازهای قرآنی یا و مراجعه به ترجمه‌های آنها به دست می‌آمد، شناسایی شدند.

۲. فرازهای شناسایی شده، برحسب ارزش شناختی آنها و با هدف گزینش فرازهای دارای ظهور یا ظن قوی در برداشت مورد نظر، به شکلی ابتدایی، دسته‌بندی شدند.

۳. با مراجعه به برخی تفسیرها، فهم و برداشتی اجمالی و اولیه از فرازهایی که به نظر می‌رسید ارزش شناختی لازم را دارند، به دست آمد. مواردی که این فهم اولیه از آنها با محتوای سازه‌های تحلیل، همخوانی داشت، گزینش و گردآوری گردیدند.

۴. فرازهای برگزیده برحسب نوع ارتباط با موضوع یا سازه‌های تحلیل، دسته‌بندی شدند.

در خلال این گام‌ها، نکاتی نیز به عنوان یادداشت‌های تحقیق، در محورهای زیر ثبت می‌شدند:

مفاد و مستندات فهم‌های اولیه؛ ارزش شناختی آنها؛ اینکه مفهوم‌ها و فرازهای برگزیده چگونه بر برداشت مورد نظر دلالت دارند و ابعاد ارتباط آنها با موضوع و وجوه تمایزشان با هم.

سیاق متغیر بوده است (برای اعتبار این نکته در تفسیر قرآن، ر.ک. معرفت، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۱؛ صدر، ۱۴۲۶: ۹؛ مصباح، ۱۳۸۸: ۱۰، ۱۴-۱۶؛ رجبی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

۳ - ۲ - ۲. گردآوری داده و نمونه‌گیری

با لحاظ واحد برگزیده نمونه‌گیری و کدگذاری، داده‌ها در قالب گزاره‌های قرآنی تعریف شدند. و چون موجود بودند و صرفاً باید استخراج می‌شدند، با ابزار پرسشنامه معکوس، به یاری نرم‌افزار جامع تفاسیر نور و با لحاظ پرسش‌های باز تحقیق، به دو شیوه زیر، گزینش و گردآوری گردیدند:

۱. نمونه‌گیری نظری با جستجوی واژه‌ای برای شناسایی مضمون‌های ناظر به مقوله‌های تحلیل (که اعم از موارد حاوی تأیید، رد، پالایش، گسترش یا غنابخشی به یافته‌های مطالعات کجروی بودند) و سپس شناسایی گزاره‌های قرآنی ناظر به آنها (برای اعتبار این شیوه در تفسیر قرآن، ر.ک. مصباح، ۱۳۸۸: ۱۰؛ رجبی، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

۲. نمونه‌گیری گلوله‌برفی با شناسایی مضمون‌های مرتبط با موارد بالا - که از جمله در تفاسیر قرآن، ذیل آنها معرفی می‌شدند - و سپس شناسایی گزاره‌های قرآنی ناظر به آنها. همچنین به نظر می‌رسد که، با رعایت نکات زیر، داده‌ها در سطح اطمینان‌آوری، گردآوری و گزینش شده‌اند:

۱. ویژگی‌های مذکور در مجموعه متنی، تناسب داده‌ها را با تحقیق، تأمین کرده است.

۲. اطلاعات مخالف، منحصص، مقید و مکمل آنها، با مراجعه به تفاسیر قرآن، حاصل شده‌اند.^۱

۳. در این مرحله، که گام آغازین تحقیق در این عرصه است، به فرازهایی بسنده شده که با کمترین مقدمات لفظی، معنایی، منطقی، تاریخی و ... و در حد ظهور یا ایجاد ظن قوی، بر برداشت‌ها دلالت داشتند (برای اعتبار این گزینش در تفسیر قرآن، ر.ک. مصباح، ۱۳۸۸: ۱۰).

۱. زمینه‌روایی برداشت‌ها از فرازهای قرآنی است. و در تحلیل محتوای کیفی نیز رویی نمونه‌گیری را تأمین می‌کند.

۱. زیرا، شالوده این تفسیرها، توجه به ساختار معنایی کلی آیات، ارتباط ذاتی و قرینه بودن آنها در فهم یکدیگر است (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۸۸-۳۰۰؛ مصباح، ۱۳۷۶: ۱۰-۱۱؛ رجبی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). وانگهی، چنانکه گذشت، وجود اطلاعات یاد شده،

معتبر برای پرسش‌ها و شناسایی مضمون‌های جدید. حاصل این تلاش نیز ایجاد مقوله‌های جدید، اصلاح یا حذف برخی مقوله‌های موجود و پالایش و نهایی شدن طرح اولیه بود.

نمونه ۲: در بررسی مضمون‌های ساختنی قرآنی، نقش‌آفرینی عاملی آشکار گردید که در مقوله‌های برگزیده پیشینی، دیده نشده بود. این عامل، با مراجعه به مضمون‌های همخوان بافت، با نام برخوردار تعریف شد. و چون از نگاه قرآن و نیز دانش بافت، در دو سطح زیست‌بوم و پایگاه اجتماعی و در سه شکل برخوردار، نابرخورداری و تغییر برخوردار عمل می‌کرد، در این ابعاد به جمع مقوله‌ها افزوده شد. به همین شکل، دو مقوله ریایش منافع و قانون‌نابگیری نیز به جمع مقوله‌های تضاد، اضافه شدند (ر.ک. سلیمی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۲، ۴۵، ۴۸-۴۹، ۵۲، ۵۸، ۶۰-۶۱).

۲. تحلیل مقوله‌ها و مناسبات میان آنها: این تحلیل با بررسی عناصر زیر در مقوله‌ها و مضمون‌های قرآنی مرتبط با آنها انجام شد: همه ابعاد آن مقوله و مضمون‌ها، وجوه ارتباط و تمایز آنها با یکدیگر و با مقوله‌ها و مضمون‌های دیگر و همچنین جایگاه هر یک از آنها در درون دستگاه نظری خود.

نمونه ۳: مراجعه به مضمون‌های قرآنی مرتبط با مقوله ساختنی دوگانگی ارزشی / هنجاری به بازخوانی آن در دانش بافت و روایت‌های مختلف نظریه‌های انسان حاشیه‌ای، فشار، خستی‌سازی انجامید. و در نهایت، سبب تدوین این مقوله با ۴ مؤلفه زیر شد که ناظر به سطوح تحلیل خرد، میانه و کلان هستند: ۱. نظام‌ها و ساخت‌های اجتماعی واگرا، ۲. تعدد و واگرایی روابط، دلبستگی‌ها و وابستگی‌ها، ۳. نقش‌ها، انتظارات نقش و فشارهای هم‌نواپی متعارض، ۴. بازخوردهای مؤلفه‌های قبل در نگرش‌ها و کنش‌های افراد (در دو سطح فرد و جمع) (ر.ک. سلیمی، ۱۳۹۳: ۱۱۶-۱۱۹).

حاصل تحلیل یاد شده، از جمله، در دو جا به کار رفت: نخست، در توضیح مقوله‌ها و گزاره‌های قرآنی برگزیده (در «چارچوب مفهومی» و «یافته‌های تحقیق») تا زمینه فهم دقیق‌تری از نسبت بین دیدگاه‌های دو حوزه و مضمون‌های

۳-۳-۲-۴. پردازش داده‌ها

مراحل پیش‌بینی شده برای پردازش داده‌ها به شرح زیر انجام گرفته‌اند:

۳-۳-۲-۴-۱. مقوله‌بندی

این مرحله، در خلال سه گام هم‌زمان زیر، اجرایی شده است:

۱. طراحی و تعیین مقوله‌ها: ورود قیاسی تحقیق به داده‌ها سبب شد که مقوله‌ها و سازه‌ها، به شکل پیشینی، با مراجعه به دانش بافت - و البته با لحاظ آشنایی‌های حاصل آمده با رویکرد اجتماعی قرآن به کجروی و بزه‌دیدی - گزینش و تعریف شوند. و طرح مقوله‌بندی و کدگذاری اولیه بر اساس آنها تدوین گردد. در اینجا چنانکه گذشت، غنای نظری و تجربی بافت، روایی لازم را به مقوله‌ها می‌داد و معیار گزینش نیز وجود ویژگی‌های زیر در آنها بود:

۱. در راستای محورهای مورد نظر در پرسش‌ها، در زمره مضمون‌های بنیادی، ماندگار و مورد وفاق - لااقل نسبی - در دانش بافت، دارای بیشترین تناسب با گزاره‌های قرآنی و نیز ناظر به محتوای پیام‌هاشان - و در نتیجه، موضوعی - باشند.

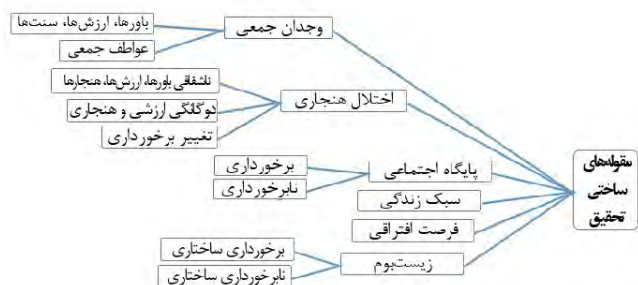
۲. بیشترین میزان از اطلاعات موجود در آنها و همچنین بیشترین مضمون‌های مرتبط در دانش بافت را پوشش دهند.

۳. معنا و چیستی مستقل و متمایز و همچنین صراحت و پایایی داشته باشند؛ به شکلی که هر مقوله، صرفاً ناظر به یک مضمون باشد.

در ادامه و در خلال تحقیق، مقوله‌های به دست آمده با اهداف زیر بر قرآن عرضه شدند:

یافتن مضمون‌های قرآنی همخوان با آنها یا نکاتی که این همخوانی را آشکار کرده یا توضیح می‌دادند؛ برخوردار شدن آنها از غنا، روایی و پایایی و همچنین تناسب بیشتر با گزاره‌های قرآنی؛ بالا بردن میزان پوشش دادن آنها به اطلاعات قرآنی یا احتمال دستیابی به پاسخ‌های مناسب و

میان آنها میسر گردید. نمودار شماره ۲ قسمتی از این درختواره است. و به مقوله‌های ساختی برگزیده در تحقیق اشاره دارد.



نمودار شماره ۲. درختواره مقوله‌های ساختی تحقیق

۳ - ۲ - ۴ - ۲. تفسیر

تفسیر - به معنای کشف درونمایه‌ها و معانی اجتماعی نهفته در گزاره‌های قرآنی و برگردان و بیان دوباره آنها با واژگان (فهم‌پذیر در) مطالعات کجروی و بزه‌دیدگی - مرحله پایانی فهم آن گزاره‌ها و نهایی شدن گزینش آنها بوده است. در اینجا نیز این نکته که معنای تفسیر در علوم اسلامی، پرده برداشتن از محتواها و معانی ناآشکار فرازهای قرآنی است (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴؛ معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۳-۱۴؛ همو، ۱۳۸۷: ۲۹-۳۰؛ عمید، ۱۳۶۷: ۳۰-۳۱)، نشان داد که تکیه بر مراحل، قواعد و ضوابط این تفسیر، راه مناسبی برای حصول مقصود از این مرحله است.

همچنین نظر به بین‌رشته‌ای بودن تحقیق و ضرورت روایی آن در حوزه‌های علمی مرتبط، روایی بین‌رشته‌ای تفسیر نیز مورد توجه قرار گرفت و با لحاظ نکات زیر، مراجعه به آرای مفسران قرآن، مناسب‌ترین راه برای

درون آنها فراهم آید، و دوم، در ترسیم نهایی درختواره کدگذاری که مقوله‌های اصلی تحقیق را با زیرمقوله‌هاشان ربط می‌داد.

۳. تدوین جدول و درختواره مقوله‌بندی: این گام با

رجوع تفصیلی و متمرکز به دانش بافت و مضمون‌های قرآنی و با هدف هدایت دقیق‌تر کدگذاری و پایایی آن - در حدی که گزاره‌های قرآنی، در هر زمان و توسط هر فرد به یک شکل و با اطمینان لازم، کدگذاری شوند - در دو بخش زیر، انجام گرفت:

یک. طراحی جدول مقوله‌بندی با ستون‌هایی برای درج اطلاعات ناظر به: نام، تعریف، مشخصات و طبقه مقوله، (ترجمه) گزاره قرآنی (یا داده برگزیده)، نشانی آن در قرآن، قاعده کدگذاری و نشانی شواهد تفسیری کدگذاری. این جدول، حاصل همخوان‌سازی جدول‌های پیشنهادی محققان (مثلاً میرینگ، ۲۰۰۰: ۵-۶؛ همو، ۲۰۱۴: ۱۰۲؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۵۰-۵۱؛ وصالی، ۱۳۸۵: ۱۲۶؛ جانی‌پور و شکرانی، ۱۳۹۲: ۳۵) با ابعاد تحقیق بود. در هر کدگذاری، اطلاعات یاد شده مرتبط با آن در ستون‌های یک ردیف، درج می‌شدند. مجموع جدول‌هایی که در این راستا تهیه می‌شدند نیز به عنوان پیوست در ادامه تحقیق می‌آمدند.

جدول شماره ۵. شمای «جدول مقوله‌بندی» تحقیق

| نام مقوله | طبقه در مقوله‌بندی | (ترجمه) گزاره | نشانی گزاره | قاعده کدگذاری | نشانی آرای تفسیری |
|-----------|--------------------|---------------|-------------|---------------|-------------------|
| | | | | | |

دو. ترسیم نهایی درختواره کدگذاری که بر اساس اطلاعات جدول مقوله‌بندی و نیز تحلیل مقوله‌ها و مناسبات

۱. البته، باید توجه داشت که تفسیر در معنای کشف نظام‌مند پاسخ قرآن به یک مسأله یا دیدگاه یا نظریه آن در این باره نیز به کار رفته است (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۱۵) که می‌تواند کاربرد خاص این واژه باشد و از نظر روشی، شباهت‌های شایان توجهی با روش تحلیل محتوای کیفی دارد (ر.ک. محسنی و سلیمی، ۱۳۹۱).

تحقیق را به فهم معتبر و مشترک در بین محققان علوم اسلامی نسبت می‌دهد. و مزیتی برای مقبولیت علمی آنها است.

۵. هر یک از آرا، رأی یک کدگذار متخصص در فهم قرآن و یک منبع غیر تحلیل محتوایی است. همچنین با دستیابی به رأی تفسیری، نوعی توافق کدگذاران حاصل می‌شود. این هر دو از شواهد مستقل تأیید و ملاک روایی تفسیر در تحلیل محتوا هستند. و در جمع با اعتباری که در علوم اسلامی دارند، زمینه روایی بین‌رشته‌ای یافته‌ها می‌شوند.

تدابیر زیر هم اتخاذ شد تا تکیه کردن بر آرای مفسران، اتقان بیشتری یابد. و همچنین ملاکی برای ارزیابی برداشت‌ها در فرایند کدگذاری باشد:

۱. به فرازهایی از قرآن - و آرای مفسران - بسنده شد که، با صراحت، با کمترین مقدمات لفظی، معنایی، منطقی، تاریخی و ... و در حد ظهور یا ایجاد ظن قوی، بیانگر برداشت مورد نظر بودند.

۲. در مواردی که درباره یک گزاره، آرای متفاوتی وجود داشت، اگر بر سر برداشت مورد نظر، تعارض نداشتند، به گزینش آرای موافق بسنده و در صورت تعارض از همه، صرف‌نظر شد^۱.

۳. پس از تأیید یک برداشت، آرای موافق با آن با دو هدف - که لازمه روایی تفسیر و کدگذاری در تحلیل محتوا هستند - فیش‌برداری و فیش‌ها ضبط و نگهداری شدند: افزایش دقت و وضوح قاعده کدگذاری با استفاده از توضیحات مفسران، و مستندسازی تفسیر و کدگذاری.

۴. برای روایی تحلیل محتوایی و مستندسازی تفسیرها

دستیابی به تفسیری معتبر و واجد این ویژگی، قلمداد شد^۱:
 ۱. آن دسته از آرای تفسیری موجود - که بر اساس فنون معتبر در علوم اسلامی حاصل آمده‌اند - کف اعتبار لازم را برای منسوب شدن به قرآن دارند (ر.ک. معرفت و رجبی، ۱۳۷۲: ۱۲-۱۴؛ میرباقری، ۱۳۸۱: ۸۳-۸۶؛ قاضی‌زاده و مقیمی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۴۷-۲۴۸). این آرا همچنین مصداق‌های فهم متعارف گزاره‌های قرآنی و منابع شایسته‌ای برای فهم آنها هستند.

۲. آرای مفسران از اثرگذاری پرسش‌های تحقیق و دانش بافت و، در نتیجه، از سوگیری‌های ناشی از آن در امان بوده‌اند. و می‌توانند مرجع بی‌طرفی برای تأیید برداشت‌های مورد نظر در تحقیق - یا زمینه تصدیق‌پذیری آنها - باشند. به همین شکل، اکتفا به آنها، محقق را از ورود شخصی در فهم قرآن و، در نتیجه، از احتمال تحمیل معنا و تأویل و تفسیر به رأی، دور می‌کند.

۳. مراجعه به این آرا، به عنوان یک رویه کلی در تحقیق و بدان سبب که مجال دسترسی به فهم معتبر از قرآن را فراهم می‌آورد، زمینه‌ای است تا محققان فاقد تخصص در تفسیر نیز بتوانند، با نوعی اطمینان از روایی یافته‌هاشان، به تحقیق پیرامون درونمایه‌های قرآنی بپردازند.

۴. ملاک استفاده از این آرا، از جمله، عبارت بود از: اعتبار و، ترجیحاً، قدمت مفسر و اینکه شمار آرای هم‌سو، آنها را به یک رأی تفسیری بدل کند. ملاک دوم، آثار زیر را دارد: سنجه پایایی برداشت موافق با آن رأی است (بدین معنا که محققان متعدد، در زمان‌های مختلف، برداشت یکسانی از یک گزاره قرآنی داشته‌اند). همچنین یافته‌های

۲. اتخاذ این دو رویه، دلایل زیر را داشت: در خصوص رویه اول، اتکا به یک رأی تفسیری معتبر برای روایی یافته‌ها کافی و با هدف بزرگ‌نمایی یک رویکرد در قرآن، همخوان بود. درباره رویه دوم نیز تحقیق، تخصص و، در نتیجه، صلاحیت ترجیح یک رأی را بر دیگری نداشت. هر چند موارد معارض - احتمالاً به سبب کلی بودن مضمون‌ها - بسیار اندک بودند.

۱. در این مرحله، با معرفی صاحب‌نظران، ۲۷ منبع تفسیری شیعه انتخاب شد. عمده موارد مورد مراجعه، به ترتیب قدمت، عبارت بودند از: *تبیان* (طوسی)، *مجمع‌البیان* (طبرسی)، *روض‌الجنان و روح‌الجنان* (ابوالفتح رازی)، *زبدة‌التفسیر* (فتح‌الله کاشانی)، *الاصافی* (فیض کاشانی)، *المیزان* (طباطبایی)، *نمونه* (مکارم و همکاران)، *الفرقان* (صادقی تهرانی)، *من‌وحی‌القرآن* (فضل‌الله)، *من‌هدی‌القرآن* (مدرسی)، *الکشاف* (مغنیه). به منابع دیگر نیز در موارد (اندک) سکوت این منابع یا برای یافتن نکات مؤید یا مکمل آرای آنها، مراجعه می‌شد.

کدگذاری در راستای فهم پاسخ‌های پرسش‌ها.
 ۲. یافتن و ارائه شواهد مؤید کدگذاری و این بازچینی، ترکیب و بازهم‌گذاری.
 ۳. استخراج الگوها و نظم‌های موجود در محتوای گزاره‌ها و بازچینی و بازهم‌گذاری آنها.
 ۴. تدوین پاسخ‌های پرسش‌ها بر اساس دستاوردهای بندهای قبل.

۵. جاسازی مستند عناصر بالا در سامانه‌ای تحلیلی که بتواند به عنوان (بدنه گزاره‌ای) نظریه - یا، لاقل، رویکرد - کلان قرآن در تحلیل کجروی و بزهدیدگی ارائه شود. همچنین با لحاظ نکات زیر، این مرحله با اقدام‌هایی همراه شد که در ادامه خواهد آمد:

۱. چنانکه گذشت، پیوند مضمون‌های قرآنی و علوم اجتماعی بر اساس راهبرد ربابش، موجه بود. این نکته، سبب می‌شد که استنتاج، طبیعتی ربایشی داشته و نیازمند تضمین‌هایی باشد.

۲. شالوده اولیه بازچینی و بازهم‌گذاری - به اقتضای آغاز به کار قیاسی - الگوهای دانش بافت بودند. اما یافته‌ها، حاوی الگوهای اصلاح شده یا جدید هم بودند. این امر، هم بازچینی و بازهم‌گذاری را به آزمون الگوهای اولیه بدل می‌کرد و هم اعتبار دادن به خود آن را ضروری می‌نمود.
 ۳. احراز هم‌مسیری استنتاج با دانش بافت، لازمه حضور سازه‌های قیاسی در تحقیق بود و اهمیت خاصی داشت؛ چون برون‌داد آن باید - در قالب بدنه گزاره‌ای یاد شده - قابلیت ارائه به حوزه مطالعاتی کجروی و بزهدیدگی را می‌داشت.

تحقق ویژگی‌های یاد شده نیز، از جمله با تلاش برای احراز معیارهای روایی زیر در یافته‌ها و جبران کاستی‌های تحقیق در این عرصه میسر گردید:

۱. دو ویژگی زیر، تضمین‌هایی برای تأیید استنتاج ربایشی بودند: أخذ سازه‌ها از مضمون‌های ماندگار و مورد وفاق بافت و اتکای کدگذاری و تفسیر گزاره‌های قرآنی بر فهم معتبر و مشترک مفسران.

(قاعده برگ)، تلاش شد تا برای انتساب یک مقوله به قرآن، حداقل، سه گزاره (شاهد) قرآنی و برای نشان دادن اعتبار برداشت از گزاره‌ها، حداقل، سه شاهد موافق از آرای مفسران، ارائه شود.

۳ - ۳ - ۲ - ۴ - ۳. کدگذاری

کدگذاری گزاره‌های قرآنی، با تفکیک چهار گام کدگذاری اولیه، کدگذاری نمونه، کدگذاری نهایی و ارزیابی کدگذاری، در ابعاد و مراحل زیر، انجام گرفته است:

۱. نظر به قیاسی بودن مقوله‌های اولیه و نیز یکی بودن مجموعه متنی و جمعیت نمونه، کدگذاری اولیه و نمونه هم‌زمان و همراه با مرحله فهم و پردازش اولیه گزاره‌ها آغاز شد.

۲. طی فعالیت‌هایی که به عنوان گام‌های تحقیق معرفی شدند، از آرای مفسران قرآن و شارحان حدیث، به شکل مستمر، و از آرای محققان و دانشجویان همکار، استادان راهنما، مشاور و داور پایان‌نامه‌ها، داوران کتاب و مقاله‌ها، در مقاطع خاص، به مثابه آرای کدگذاران استفاده شد. این آرا ناظر به نکات زیر (و، لذا، زمینه‌ساز برای کدگذاری نهایی و ایجاد روایی و پایایی) بودند: اصلاح یا حذف مقوله‌های اولیه یا ایجاد مقوله‌های جدید، رفع کاستی‌های تعریف مقوله‌ها، طرح مقوله‌بندی و قواعد کدگذاری و ایجاد وضوح و انسجام کافی در آنها و احراز میزان و چگونگی توافق درباره کدها و کدگذاری‌ها.
 ۳. کدگذاری‌ها در طول مرحله تفسیر، بازنگری، اصلاح، تکمیل و نهایی شدند. و کدگذاری نهایی با اتمام این مرحله و نهایی شدن گزینش گزاره‌ها به انجام رسید.

۴. ارزیابی کدگذاری در طول چهار گام یاد شده، به صورت مستمر و تکرار شونده و، از جمله با استفاده از معیارها و تدبیرهای ذکر شده ذیل عنوان تفسیر انجام گرفت.

۳ - ۳ - ۳. استنتاج

استنتاج به عنوان مرحله آخر دستیابی به پاسخ پرسش‌های تحقیق، در پنج گام زیر انجام پذیرفت:

۱. بازچینی، ترکیب و بازهم‌گذاری گزاره‌های

علوم اسلامی و اجتماعی، پایایی و روایی را در مراحل مختلف تحلیل محتوا و تفسیر فرازهای قرآنی تأمین می‌کنند، شناسایی نماید و با رعایت آنها خود را تا حد امکان از کاستی‌ها دور سازد. و زمینه مقبولیت یافته‌هایش را در این دو حوزه فراهم نماید. در صفحات قبل، به مناسبت، به برخی سنجها اشاره شد. جدول شماره ۶، حاوی برخی از این سنجها در کنار اقدامات این تحقیق برای رعایت آنهاست.

۲. با بررسی مجدد و تلاش برای روشن‌تر شدن روش‌ها، معیارها و قواعد تحلیل و نیز بیان و گزارش آنها، در جهت تصدیق‌پذیری اقدام شد.

۳. برای تحصیل روایی معنایی و ساختاری، به عرضه دوباره داده‌ها بر یافته‌های بافت و افزایش دقت در معانی مقوله‌ها و گزاره‌های قرآنی اقدام شد تا همخوانی آنها بیشتر یا اعتمادپذیر شود.

۴. تلاش شد با بررسی میزان همبستگی یافته‌ها با دانش بافت، روایی همبستگی حاصل گردد.

۳ - ۳ - ۴. ارزیابی تحقیق و یافته‌ها

این تحقیق کوشیده است سنج‌هایی را که، از نگاه محققان

جدول شماره ۶. سنج‌های روایی/پایایی در تحلیل محتوا و ویژگی‌های برآورنده آنها در تحقیق

| ردیف | سنجها | ویژگی‌های رعایت شده در تحقیق |
|------|--------------------------------|---|
| ۱ | اعتمادپذیری تحقیق | اعتبار روش در فهم متن و کسب روای، بین‌رشته‌ای، تناسب با مسأله و هدف * طراحی تحقیق بر اساس آرای معتبر و روزآمد و بومی شدن بر اساس مسأله و اهداف * مقبولیت و رواج راهبرد، تئلیس با غنای بافت و هدف پاسخگویی قرآن به پرسش‌های علوم اجتماعی، مقبولیت و اعتبار این نوع پاسخگویی در علوم اسلامی * گزارش تفصیلی، شفاف و مستند فرایند و نتایج تحلیل. |
| ۲ | انتقال‌پذیری تحقیق | مناسبات قطعی قرآن و بافت (نگاه اصلی آن به پدیده‌های انسانی اجتماعی)، فهم‌پذیری مقوله‌ها و یافته‌ها در علوم اسلامی و اجتماعی * بیان روشن و روزآمد بافت و تناظر سازه‌ها با مضمون‌های قرآنی * شرح روشن فرایندهای تحقیق (به ویژه، گردآوری و پردازش داده) |
| ۳ | بلورپذیری تحقیق | تعامل طولانی محقق با بافت و محیط پژوهش * لحاظ مبانی فراترجمی، تحقیق و پیوند پرسش‌ها/ داده‌ها * غنای بافت و بازتابی کافی سازه‌ها از موضوع تحقیق * پرمایگی اطلاعات قرآنی و مضمون‌های همخوانی‌پذیر با بافت * رویه‌های روشن کدگذاری و استخراج نتایج، ارائه داده‌ها و توجیه کدهای آنها در پیوست تحقیق * حضور رأی تفسیری (توافق کدگذاران) و محققان همکار به عنوان کدگذاران متخصص (مناکره با همکاران). |
| ۴ | بلورپذیری یافته‌ها | پوشش جامع و کافی سازه‌ها از مضمون‌های بنیادی و ماندگار مورد نظر در بافت و ابعاد مرتبط در فرازهای قرآنی. |
| ۵ | بلورپذیری داده‌ها | شرح روزآمد و روشن عناصر مهم پرسش‌ها و چگونگی بازتاب آنها در گزاره‌های قرآنی برگزیده. |
| ۶ | تصدیق‌پذیری تحقیق | بیان روشن روش‌ها، قواعد و معیارهای گزینش، تحلیل و تفسیر داده * دوری از تأثیر ناروای دانسته‌ها با راهبرد استقرایی در میانه تحقیق * تصدیق برداشت‌های مورد ادعا از داده‌ها توسط آرای معتبر تفسیری. |
| ۷ | روایی / پایایی سازه‌ها | غنای بافت، گزینش، طراحی و تعریف روشن و روزآمد آنها و روابطشان بر اساس مضمون‌های بنیادی، مورد توافق و ماندگار بافت، تدوین جدول و درختواره مقوله‌بندی، استقلال، جامعیت و مانعیت * همخوانی‌یابی، اصلاح و تعدیل آنها با عرضه بر قرآن و تأیید آرای تفسیری، پوشش بالای مضمون‌های قرآنی. |
| ۸ | روایی نمونه‌گیری | همسای جمعیت نمونه و مجموعه متنی (بازنمود کامل اطلاعات) * دقت ملاک‌های گردآوری داده و نمونه‌گیری (تئلیس با پرسش، پیشینگی و اعتبار اطلاعات مرتبط، دلالت قوی بر اطلاعات (مثلاً صراحت آیه و بیان مفسران) یا تأیید رأی تفسیری، دسترسی به اطلاعات مخالف، مختص، مفید، مکمل، حصول نسبی اشباع نظری |
| ۹ | روایی فهم معنای پنهان گزاره‌ها | التزام به تأیید آرای مفسران، اعتبارسنجی آرا اعتبار مفسر، صراحت در مقصود، تحقق رأی تفسیری (= شواهد مستقل، توافق کدگذاران متخصص و معتبر)، مستندسازی با لاف ۳ شاهد از گزاره‌های قرآنی و آرای مفسران. |
| ۱۰ | روایی / پایایی کدگذاری | روایی/پایایی سازه‌ها، وضوح قلعه کدگذاری، کدگذاری آزمایشی نمونه در فاصله زمانی مطمئن، تعدد تنوع کدگذاران، کدگذاری با رأی تفسیری/ توافق کدگذاران، دقت یادداشت‌برداری، بازبینی و ارزیابی مستمر، مستندسازی با فیش برداری شواهد |
| ۱۱ | روایی/پایایی استنتاج | اعتبار، نظام‌مندی و شفافیت طرح تحقیق، طراحی سازه‌ها و رویه‌های گزینش، پردازش و تفسیر داده * کاربردپذیری (قابل تأیید و دفاع) یافته‌ها در دو حوزه علوم اسلامی اجتماعی |
| ۱۲ | روایی ساختاری | مناسبات قطعی قرآن و بافت، بازتابی دقیق مقوله‌ها از معناهای پایدار در نظریه‌های دارای روایی بافت و گزاره‌های قرآنی. |
| ۱۳ | روایی معنایی | تدوین مقوله‌ها/روابط آنها با لحاظ همخوانی‌های بافت/مضمون‌های قرآنی (=کاربردپذیری مقوله‌های بافتی در قرآن)، بسنده کردن به دلالت‌های لفظی التزامی بین/تحقق رأی تفسیری در مضمون‌های قرآنی |
| ۱۴ | بازسازی‌پذیری تحقیق | گزارش تفصیلی و مستند از: مراحل و فرایندهای گزینش، کدگذاری، تحلیل و تفسیر داده‌ها، تصمیم‌ها و کاربست‌های تحقیق و چگونگی رعایت ضوابط تحلیل و سنج‌های روایی و پایایی در تحقیق. |

۴. نتیجه‌گیری و کاربرد

این مقاله به شناسایی و معرفی اجزا و مراحل عملیات و همچنین بیان ضوابط و معیارهایی پرداخته است که در راهبرد ترکیبی تحلیل محتوای کیفی برای استخراج یک تحلیل اجتماعی معتبر از قرآن کریم، اعمال می‌شوند یا قابل اعمال هستند و روایی تحلیل را، از نگاه علوم اسلامی و اجتماعی، تأمین می‌کنند. در این راستا، نکات زیر سبب می‌شوند که بیان این عناصر، نوعی معرفی کاربردی این روش و راهبرد یاد شده آن به تحقیقات بین‌رشته‌ای متن‌محور در علوم اسلامی و اجتماعی باشد؛ یا نوعی دستورالعمل اجرایی را برای پژوهش‌هایی ارائه دهد که در این عرصه - و، به‌ویژه، در راستای استخراج دیدگاه‌های اجتماعی متون مقدس اسلامی - طراحی و اجرا می‌شوند:

- این روش و راهبرد، شباهت‌های نزدیکی با تفسیر موضوعی در مبانی، هدف‌ها، تعریف‌ها، فرایندها، دغدغه‌ها و ظرفیت‌های بالایی برای رعایت ضوابط و استفاده از مزایای آن دارد.
- اجزا و مراحل عملیات تحقیق و ضوابط و معیارهای روایی و پایایی آن، با تفصیل و دقت قابل اتکایی بیان شده‌اند.
- عناصر مورد نظر در قالب گزارش تفصیلی از روش تحقیقی، ترسیم و ارائه شده‌اند که با تکیه بر این روش و راهبرد و با هدف استخراج معتبر

دیدگاه‌های اجتماعی قرآن انجام گرفته و در مراحل

متعددی، آزمون شده است.

همچنین به نظر می‌رسد وجود عناصر زیر در گزارش پیش رو، آن را از ویژگی‌های مورد نیاز در چنین دستورالعملی، برخوردار نموده است. به‌ویژه آنکه بیان آنها در دو قالب کلی (تحلیل محتوای کیفی) و بومی شده (تحلیل محتوای قرآن)، زمینه را برای امعان نظر در این بومی‌سازی و فهم کاستی‌ها و مزایای آن و نیز رفع کاستی‌ها و افزودن مزایا در تحقیقات آتی، فراهم می‌آورد:

- ترسیم اجزا و مراحل عملیات معرفی شده برای این روش و راهبرد، در کنار: ۱. اجزا و مراحل عملیاتی که به منظور کاررفت معتبر آن در تحلیل قرآن، بومی شده‌اند؛ ۲. توضیح چستی، چگونگی و چرایی این بومی شدن.
- بیان ضوابط و معیارهای روایی و پایایی آن روش و راهبرد در کنار: ۱. بیان تدبیرهایی که، در تحقیق، اتخاذ شده است تا، هم‌زمان با رعایت آنها، تحلیل استخراج شده از قرآن نیز اعتبار لازم را از نگاه علوم اسلامی داشته باشد. ۲. توضیح علت انتخاب تدبیرها و تناسب آنها با احراز روایی و پایایی.

منابع

- آزادارمکی، تقی، ابوالحسن تنهایی، سیدکاووس سیدامامی، ابراهیم فیاض، ناصر فکوهی (مصاحبه) (۱۳۸۹)، «جستاری نظری بر امکان طرح جامعه‌شناسی دینی (۲)»، مصاحبه‌گر کریم خان‌محمدی، مطالعات فرهنگی و اجتماعی، پیش‌ش ۲، ص ۱۲۵-۱۴۶.
- ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۲)، «تحلیل کیفی متن: استقرا / قیاس»، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ش ۱، ص ۱۰۲-۱۴.
- اشتراوس، آنسلم، جولیت کرین (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار زنجانی، تهران: نشر نی.
- باقری، علی‌اوسط (۱۳۸۸)، «مجاری تأثیر پیش‌دانسته‌های مفسر در تفسیر قرآن»، قرآن‌شناخت، س ۲، ش ۲ (پیاپی ۴)، ص ۷۳-۱۱۰.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بوریل، گیسون، گارت مورگان (۱۳۸۳)، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، تهران: سمت، مؤسسه امام خمینه.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳)، «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، علوم اجتماعی، ش ۶۴، ص ۱۰۵-۱۳۸.
- جانی‌پور، محمد، رضا شکرانی (۱۳۹۲)، «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، س ۴۶، ش ۹، ص ۵۸-۲۷.
- جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «با نظریه‌های گوناگون جامعه‌شناسی چگونه روبرو شویم؟ با اشاره به چارچوب‌های نظری پایان‌نامه‌های دانشجویی»، نامه آزادارمکی، تقی، ابوالحسن تنهایی، سیدکاووس سیدامامی، ابراهیم فیاض، ناصر فکوهی (مصاحبه) (۱۳۸۹)، «جستاری نظری بر امکان طرح جامعه‌شناسی دینی (۲)»، مصاحبه‌گر کریم خان‌محمدی، مطالعات فرهنگی و اجتماعی، پیش‌ش ۲، ص ۱۲۵-۱۴۶.
- ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۲)، «تحلیل کیفی متن: استقرا / قیاس»، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ش ۱، ص ۱۰۲-۱۴.
- اشتراوس، آنسلم، جولیت کرین (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار زنجانی، تهران: نشر نی.
- باقری، علی‌اوسط (۱۳۸۸)، «مجاری تأثیر پیش‌دانسته‌های مفسر در تفسیر قرآن»، قرآن‌شناخت، س ۲، ش ۲ (پیاپی ۴)، ص ۷۳-۱۱۰.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بوریل، گیسون، گارت مورگان (۱۳۸۳)، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، تهران: سمت، مؤسسه امام خمینه.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳)، «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، علوم اجتماعی، ش ۶۴، ص ۱۰۵-۱۳۸.
- جانی‌پور، محمد، رضا شکرانی (۱۳۹۲)، «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، س ۴۶، ش ۹، ص ۵۸-۲۷.
- جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «با نظریه‌های گوناگون جامعه‌شناسی چگونه روبرو شویم؟ با اشاره به چارچوب‌های نظری پایان‌نامه‌های دانشجویی»، نامه
- علوم اجتماعی، ش ۳۳، ص ۹۹-۱۳۰.
- دلایل، احمد (۱۳۸۶)، «علم و قرآن»، ترجمه محمدجواد اسکندرلو، بررسی و نقد محمدعلی رضایی اصفهانی، قرآن و علم، س ۱، ش ۱، ص ۶۱-۱۳۵.
- رجبی، محمود (۱۳۸۸)، «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح»، قرآن‌شناخت، س ۲، ش ۲ (پیاپی ۴)، ص ۱۱۱-۱۴۶.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (ج ۱: اصول و مبانی)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ساعی، علی (۱۳۸۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی: با رهیافت عقلانیت انتقادی، تهران: سمت.
- سبحانی، جعفر، احمد واعظی (مصاحبه) (۱۳۷۹)، «اقتراح: هرمنوتیک دینی»، قبسات، ش ۱۷، ص ۱۲-۳۱.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۸)، روش تحقیق کیفی، چ ۲، تهران: پیام پویا.
- سلیمی، علی (۱۳۹۳-۱)، «پیوندهای قدرت و کجروی: الگویی تلفیقی بر اساس آموزه‌های قرآنی»، اسلام و علوم اجتماعی، س ۶، ش ۱۲، ص ۲۷-۶۲.
- _____ (۱۳۹۳-۲)، تحلیل‌های ساختی و تضاد در نظریه قرآنی کجروی: بر اساس آرای تفسیری شیعه، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____ (۱۳۹۵)، «تحلیل پاره‌فرهنگی در نظریه قرآنی کجروی»، اسلام و علوم اجتماعی، س ۸، ش ۱۵، ص ۳۴-۵.
- _____ (۱۳۹۶)، «رویکرد بزه‌دیده‌شناختی در نظریه قرآنی کجروی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، س ۸، ش ۴ (پیاپی ۳۲)، ص ۲۳-۴۴.

- شجاعی‌زند، علیرضا، حسین کجوییان، غلامرضا صدیق‌اورعی، احمد واعظی، عماد افروغ، حمید پارسانیا (مصاحبه) (۱۳۸۹)، «جستاری نظری بر امکان طرح جامعه‌شناسی دینی (۱)»، مصاحبه‌گر کریم خان-محمدی، *مطالعات فرهنگی و اجتماعی*، پیش‌ش ۱، ص ۱۰۹-۱۲۸.
- صدر، سید محمد باقر (۱۴۲۶)، *المدرسة القرآنية: یحتوی علی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم و بحوث فی علوم القرآن و مقالات قرآنیة*، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، چ ۵، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- عادل مهربان، مرضیه (۱۳۹۴)، *مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش، ویراستار مهری دوستی ایرانی، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی.*
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، «تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۳، ش ۱ (۴۵)، ص ۱۹-۳۴.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)، *مبانی و روش‌های تفسیر قرآن*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فغفورمغربی، حمید (۱۳۸۶)، «رابطه گزاره‌های قرآنی و گزاره‌های علمی»، *قرآن و علم*، ش ۱، ص ۳۵-۶۰.
- قاضی‌زاده، کاظم، محدثه مقیمی‌نژاد داورانی (۱۳۹۰)، «حجیت فهم و تفسیر غیر معصومین از قرآن کریم در روایات شیعه»، *حدیث پژوهی*، ش ۶، ص ۲۲۱-۲۵۰.
- کریمی، مصطفی (۱۳۸۹)، «ماهیت تفسیر موضوعی»، *قرآن‌شناخت*، س ۳، ش ۲ (پیاپی ۶)، ص ۱۰۵-۱۳۰.
- گل‌افشانی، ناهید (۱۳۸۵)، «روایی و پایایی در پژوهش کیفی»، *ترجمه زینب مظفری، مدیریت فردا*، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۳۳-۴۲.
- محسنی تبریزی، علیرضا، علی سلیمی (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۸ (۷۲)، ص ۱۳۵-۱۵۸.
- محسنی تبریزی، محمود رجبی، علی سلیمی (۱۳۹۱)، «تبیین اجتماعی نفاق: الگویی تلفیقی بر اساس آموزه‌های قرآنی»، *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، س ۲، ش ۲، ص ۱۱۱-۱۵۱.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، *روش تحقیق کیفی: ضد روش*، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (مصاحبه) (۱۳۸۸)، «تفسیر موضوعی»، *تنظیم محمدحسین ذوالفقاری، معرفت*، ش ۱۳۶، ص ۱۸۵.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۷)، *التفسیر الأثری الجامع*، ج ۱، چ ۱، قم: تمهید.
- انتشارات جامعه مدرسین. _____ (۱۳۸۸)، *تلخیص التمهید*، ج ۲، چ ۸، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- _____ (۱۴۱۸)، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب*، ج ۱، چ ۱، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- معرفت، محمدهادی، محمود رجبی (مصاحبه) (۱۳۷۲)، «قلمرو معارف قرآن و ارزش فهم ما از قرآن»، *معرفت*، ش ۶، ص ۵-۱۵.
- میرباقری، سید محسن (۱۳۸۱)، «استنباط از ظاهر و باطن قرآن»، *تحقیقات اسلامی*، س ۱۴ (ش ۱ و ۲) و ۱۵ (ش ۱)، ص ۶۵-۸۶.
- وایت، رابرت و فیونا هینز (۱۳۹۰)، *جرم و جرم‌شناسی: متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی*، ترجمه علی سلیمی، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- وصالی، سعید (۱۳۸۵)، «دیدگاه اجتماعی حکمت‌های نهج البلاغه (تحلیل محتوایی)»، *نهج البلاغه*، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۱۱۹-۱۳۸.

- SOCIAL SCIENCES AND HUMANITIES*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Jupp, Victor (ed.) (2006), *THE SAGE DICTIONARY OF SOCIAL RESEARCH METHODS*. London: Sage Publications Ltd.
- Krippendorff, Klaus H. (2004), *CONTENT ANALYSIS: AN INTRODUCTION TO ITS METHODOLOGY*. Thousand Oaks, Calif.: Sage Publications, Inc.
- Mayring, Philipp (2000), "Qualitative Content Analysis". *FORUM: QUALITATIVE SOCIAL RESEARCH (1) 2*, Art 20. pp. 1-11.
- Mayring, Philipp (2014), *QUALITATIVE CONTENT ANALYSIS. THEORETICAL FOUNDATION, BASIC PROCEDURES AND SOFTWARE SOLUTION*. Austria: Klagenfurt.
- Meinefeld, Werner (2004), "Hypotheses and Prior Knowledge in Qualitative Research". in Uwe Flick, Ernst von Kardoff, Ines Steinke (eds.), *A COMPANION TO QUALITATIVE RESEARCH*. London, Sage Publications Ltd. pp. 153-158.
- Mitchell, Robert Edward (1967), "The Use of Content Analysis for Explanatory Studies". *THE PUBLIC OPINION QUARTERLY (31) 2*, pp. 230-241.
- Sandelowski, Margarete, Julie Barroso (2003), "Classifying the Findings in Qualitative Studies". *QUALITATIVE HEALTH RESEARCH (13) 7*, pp. 905-923.
- Schilling, Jan (2006), "On the Pragmatics of Qualitative Assessment: Designing the Process for Content Analysis". *EUROPEAN JOURNAL OF*
- Berg, Bruce L. (2001), *QUALITATIVE RESEARCH METHODS FOR THE SOCIAL SCIENCES*. Boston: Allyn & Bacon.
- Bradley, Jana (1993), "Methodological Issues and Practices in Qualitative Research". *LIBRARY QUARTERLY (63) 4*, pp. 431-449.
- Cho, Ji Young, Eun-Hee Lee (2014), "Reducing Confusion about Grounded Theory and Qualitative Content Analysis: Similarities and Differences". *THE QUALITATIVE REPORT (19) 64*, pp. 1-20.
- Cypress, Brigitte S. (2017), "Rigor or Reliability and Validity in Qualitative Research: Perspectives, Strategies, Reconceptualization, and Recommendations". *DIMENSIONS OF CRITICAL CARE NURSING (36) 4*, pp. 253-263.
- Drisko, James, Tina Maschi (2015), *CONTENT ANALYSIS (Pocket Guide to Social Work Research Methods)*, Oxford: Oxford University Press.
- Elo, Sato, Helvi Kyngas (2008), "The Qualitative Content Analysis Process". *JOURNAL OF ADVANCED NURSING (62) 1*, pp. 107-115.
- Flick, Uwe (ed.) (2014), *THE SAGE HANDBOOK OF QUALITATIVE DATA ANALYSIS*. London: Sage Publications Inc.
- Forman, Jane, Laura Damschroder (2008), "Qualitative Content Analysis". in Robert Baker & Wayne Shelton (eds.), *EMPERICAL METHODS FOR BIOETHICS: A PRIMER*. Oxford: Linacre House, Jordan Hill. pp. 39-62.
- Holsti, Ole R. (1969), *CONTENT ANALYSIS FOR THE*

PSYCHOLOGICAL ASSESSMENT (22) 1, PP. 28-37.

Spannagel, Christian, Michaela Gläser-Zikuda, Ulrik Schroeder (2005), "Application of Qualitative Content Analysis in User-Program Interaction Research". *FORUM: QUALITATIVE SOCIAL RESEARCH* (6) 2, Art. 29. pp. 1-17.

Steinke, Ines (2004), "Quality Criteria in Qualitative Research". in Uwe Flick, Ernst von Kardoff, Ines Steinke (eds.), *A COMPANION TO QUALITATIVE RESEARCH*. London: Sage Publications Ltd. pp. 184-190.

White, Marilyn D., Emily E. Marsh (2006), "Content Analysis: A Flexible Methodology". *Library Trends* (55) 1, PP. 22-45.

Yu, Chong Ho, Angel Jannasch-Pennell, Samuel DiGangi (2011), "Compatibility between Text Mining and Qualitative Research in the Perspectives of Grounded Theory, Content Analysis, and Reliability". *THE QUALITATIVE REPORT* (16) 3, pp. 730-744.

Zhang, Yan, Barbara M. Wildemuth (2009), "Qualitative Analysis of Content". in B. M. Wildemuth. *APPLICATIONS OF SOCIAL RESEARCH METHODS TO QUESTIONS IN INFORMATION AND LIBRARY SCIENCE*. Westport, Conn., Libraries Unlimited. pp. 308-319.